



یک میراث زنده حفظ فرهنگ ناملموس

وزارت امور خارجه ایالات متحده - اداره برنامه های اطلاعات بین المللی



وزارت امور خارجه ایالات متحده

جلد ۱۵ / شماره ۸

<http://www.america.gov/persian/publications/ejournalusa.html>

برنامه های اطلاعات بین المللی:

همانگ کننده	دان ل مک کال
سر دبیر اجرایی	جاناتان مارگولیس
مدیر نشریه	مایکل جی فریدمن

سر دبیر ارشد	ماری ت چانکو
ویراستار اجرایی	نادیا شایرزای احمد
تولید کننده تارنما	جانین پری
طراح	سیلویا اسکات

ویراستار عکس	آن مونرو جاکوبز
طراح جلد	دایان وولورتون
کارشناس مرجع	مارتین مانینگ

تصویر روی جلد:

Dancers from the Texas-based troupe, Ballet Folklórico de San Antonio, perform a traditional Latin dance. © Getty Images/ Donovan Reese

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده هر ماه يك مجله الكترونيكي تحت عنوان مجله الكترونيكي ایالات متحده آمریکا (eJournal USA) منتشر می کند. این مجلات مسأیل مهم پیش روی ایالات متحده و جامعه بین المللی، و همچنین جامعه، ارزشها، افکار و موسسات ایالات متحده را مورد بررسی قرار می دهند.

هر ماه يك مجله جدید به زبان انگلیسی منتشر می شود و سپس نسخه های آن به زبان های فرانسه، پرتغالی، روسی و اسپانیایی انتشار می یابند. بخش های منتخبی از آنها به زبان های عربی، چینی و فارسی منتشر می شوند. هر مجله بر اساس شماره و جلد آن مشخص می شود.

دیدگاه ها و یا سیاست های دولت ایالات متحده نمی باشد. وزارت امور خارجه در قبال محتویات و امکان دسترسی دائمی به تارنماهای اینترنتی که بازدیدکنندگان را به این مجله ها ارجاع می دهند، هیچ مسیولیتی ندارد؛ اینگونه مسیولیت ها صرفاً مربوط به ناشرین آن تارنماها می باشد. امکان چاپ مجدد و ترجمه مقالات، عکس ها و تصاویر این مجله ها در خارج از ایالات متحده وجود دارد، مگر اینکه به طور صریح به محدودیت های حق چاپ انحصاری اشاره شده باشد، که در چنین مواردی باید از دارنده حق چاپ انحصاری ذکر شده در مجلات کسب اجازه گردد.

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه نسخه های کنونی و قبلی این مجلات را در قالب های مختلف الكترونيكي در آدرس اینترنتی:

<http://www.america.gov/persian/publications/ejournalusa.html>

در دسترس قرار داده شده است. نظرات و پیشنهادات خود را می توانید به سفارت آمریکا در منطقه خودتان و یا به هر يك از دفاتر ویراستاری ارسال نمایید:

Editor, eJournal USA IIP/PUBJ
U.S. Department of State 2200 C Street, NW
Washington, DC 20522-0501 USA E-mail:
eJournalUSA@state.gov
E-mail: eJournalUSA@state.gov

درباره این شماره



© AP Images/AI Grillo

افراد، گروه های اجتماعی، سازمان های نیکوکار و سایر گروه ها در سراسر ایالات متحده میراث فرهنگی متنوع این کشور را جشن می گیرند و پاس می دارند. در این جا، در مراسم فرهنگی در آنکوراژ در آلاسکا، دختری جوان طبل کره ای می نوازد. آنکوراژ که در آن به 93 زبان گویش می شود مثل خیلی مکان های دیگر در ایالات متحده است: مخلوط پویایی از فرهنگ ها و مردم.

فرهنگ آمریکایی حقیقتاً به این دلیل که زنان و مردان در هر بخشی از این کشور با زنده نگه داشتن اشکال نامحسوس نموده های فرهنگی هنری از آنها پاسداری می کنند سرزنده و مورد علاقه همگان باقی می ماند. این نسخه از مجله الکترونیکی USA به کشف این ماجراها می پردازد.

آمریکا به یاری مردمان بسیار دارای میراث فرهنگی غنی، متنوع و استواری است. این شامل فرهنگ و سنت های سرخ پوستان آمریکایی بومی با قدمت هزار ساله است، و رسوم، فرهنگ و هنر بسیاری از گروه های مهاجری را در بر می گیرد که طی سده ها و نسل های گذشته در آمریکا سکونت یافته اند.

بسیاری از نموده های محسوس این میراث فرهنگی در موزه ها، گالری ها، و دیگر موسسه های خصوصی و داخلی نگهداری می شوند. اما هیچ موزه ای نمی تواند از اشکال غیر قابل ملموس نموده های فرهنگی به اندازه ی باز آفرینان آنان محافظت کند. نوازنده طبل غنایی آمریکایی که موسیقی Ga را برای مخاطبان تازه کار خود می نوازد، همانند قصه گوی سرخ پوست آمریکایی، یا دانشمندی که زبانی در معرض تهدید را زنده نگه می دارد در غنی شدن فرهنگ آمریکا نقش دارد.



وزارت امور خارجه ايالات متحده جلد ۱۵ / شماره ۸

<http://www.america.gov/persian/publications/ejournalusa.html>

یک میراث زنده حفظ فرهنگ ناملموس

- ۴ میراث فرهنگی ناملموس: افقی تازه برای دموکراسی
فرهنگی
جیمز کانتس ایرلی و رایان اف. مانیون
حفاظت فرهنگی تنها شامل بناها، ساختمان ها و آثار
هنری نمی شود، بلکه موسیقی، رقص و زبان را نیز
شامل می شود
- ۷ نجات زبانهای در معرض خطر در ایالات متحده
جولیت بلوینز
افراد و موسسات بسیاری در حال تلاش برای احیای
مجدد زبانهای در معرض خطر و حفظ تنوع زبانی ایالات
متحده هستند.
- ۱۱ حفظ زبانهای بومی آلاسکا – واژه به واژه
کایل هایپکینز
یک مرد جوان فرانسوی، گیوم لودوی، به آلاسکا سفر
کرد تا به نجات ایاک، یک زبان بومی منقرض شده
آلاسکا کمک کند.
- ۱۳ داستان گویی بومیان آمریکا: زنده نگاه داشتن فرهنگ
داکوتا از طریق گفتارهای زبانی
مصاحبه
ماری لویییز دیفندر ویلسون به عنوان یک داستان سرا،
در مورد آثارش و اهمیت حفظ سنتهای شفاهی توضیحاتی
ارائه می دهد.
- ۱۵ چندزبانه بودن
نقل قولهایی از نویسندگان، اساتید دانشگاه و شخصیت‌های
مردمی در مورد چالشها و مزایای تنوع زبانی در ایالات
متحده
- موسیقی
- ۱۷ مجموعه موسیقی فولکلور اسمیتسونیان: "موزه ای از
صدا"
دی ای سانبوم و میگان بانر ساترلند
مجموعه موسیقی فولکلور اسمیتسونیان نسخه های ضبط
شده موسیقی، دکلمه، نمایشها و غیره – از همه نقاط جهان
– را در اختیار عموم می گذارد.
- ۲۰ یک زوج در موسیقی سنتی غنایی سبل می نوازند
مصاحبه
یاکوب ادی، یک سبل نواز غنایی، و امینه ادی، مدیر
گروه نوازندگان "اودادا!"، توضیح می دهند که چگونه
آنها علاقه به موسیقی غنایی را ترویج می کنند.
- منابع تعاملی
- ۲۱ حفظ میراث فرهنگی جهان: صندوق سفرا برای حفظ
میراث فرهنگ
صندوق سفرای ایالات متحده برای حفظ میراث
فرهنگی با اعطای کمک های رایگان به طرح های
مربوط به حفظ میراث فرهنگی محلی به پاسداری از
فرهنگ ها در سرتاسر جهان یاری می دهد.

رقص

۲۳ یک فستیوال محلی رقصهای جهان را حفظ می کند

مایکل گالانت

فستیوال سالانه رقصهای قومی سان فرانسیسکو شکل‌های کمیاب رقص در ایالات متحده و بسیاری کشورهای دیگر را عرضه می کند.

۲۶ رقص سنتی کامبوجی در کالیفرنیا رشد می کند

مایکل گالانت

کاریا برت، رقص، به اجرا و آموزش رقص کامبوجی در کالیفرنیا اشتغال دارد.

گالری عکس

۲۷ آمریکایی‌ها میراث فرهنگی خود را حفظ می کنند

آمریکایی‌ها با اجرا و بزرگداشت فعالیت‌های فرهنگی از جمله موسیقی و رقص در جوامع بزرگ و کوچک فرهنگ خود را حفظ می کنند.

حق با کیست؟

۳۰ بازگرداندن اموال فرهنگی

دو کارشناس، مالکولم بل سوم از دانشگاه ویرجینیا و جیمز کونو از موسسه هنر شیکاگو، در مورد مزایا و مضرات بازگرداندن آثار هنری و باستانی به سرزمینهای محل تولید آنها بحث می کنند.

۳۴ قوانین حفاظتی ایالات متحده: یک چهارچوب قانونی

برای حفظ میراث فرهنگی

پتی گرسنتبلیت

ایالات متحده قوانینی دارد که از آثار ملموس، مانند مجسمه‌ها، و همچنین از اشکال غیرملموس ابراز فرهنگ، مانند زبان محافظت می کنند.

منابع بیشتر

گلچینی از کتاب‌ها، مقالات و تارنماهای مربوط به حفظ میراث فرهنگی.

میراث فرهنگی نامحسوس

افق تازه ای برای دموکراسی فرهنگی

نوشته جیمز کانتر ارلی و رایان اف. مانیون

© 2010 Smithsonian Institution



Courtesy of Jeff Tinsley, Smithsonian Institution

جشنواره زندگی مردمی مؤسسه اسمیتسونیان سالانه در واشنگتن برگزار می شود. این جشنواره از زبان ها، داستان سرایی، موسیقی، رقص، صنایع دستی سنتی و دیگر تجلی های فرهنگی ایالات متحده و جوامع دنیا تقدیر می کند.

امروزه بسیاری از نهادها و افراد در حفظ میراث فرهنگی در همه اشکال آن چه محسوس و چه نامحسوس سهیم هستند.

رویکرد پیشرو در سال ۱۹۶۷، زمانی پدید آمد که مرکز

اسمیتسونیان در میراث فرهنگی و زندگی عوام (CFCH) برنامه های حفظ میراث را در همکاری با اجتماعات محلی گوناگون در داخل و خارج آمریکا بنا نهاد. این امر با اولین جشنواره فرهنگ عامه اسمیتسونیان در بازار ملی واشنگتن و در فضای سبز عمومی بین بنای واشنگتن و عمارت کنگره آمریکا به اوج خود رسید. رویکردی که در آن موقع نسبت به حفظ میراث فرهنگی بدیع بود، ارزش های زبان، قصه گوئی، موسیقی، رقص، صنایع دستی، فعالیت های اجتماعی، علوم مربوط به قومیت ها، فعالیت های کشاورزی سنتی و دیگر نمایش های فرهنگی را از جوامع مختلف کشور برجسته ساخت. این امر شامل رقصنده های شیر چینی، نقاش های شنی آمریکایی- هندی، سفالگران، گروه سنتور نواز بوهمیایی

جیمز کانت ارلی سرپرست سیاست گذاری میراث فرهنگی در مرکز میراث فرهنگی و فرهنگ عامه در موسسه اسمیتسونیان است.

رایان مانیون دستیار پیشین در موسیقی قوم نگارانه در مرکز میراث فرهنگی و فرهنگ عامه در موسسه اسمیتسونیان است.

به لحاظ سنتی، حفظ میراث فرهنگی به معنی حفظ بناهای تاریخی، مجسمه ها و آثار هنری است. اما از ابتدای دهه ۶۰، به دلیل افزایش قدرانی از فرهنگ های گوناگون و الگوهای بیان فرهنگی، معنای حفظ میراث فرهنگی گسترش یافت و آنچه که بیان های فرهنگی "نامحسوس" همچون موسیقی، زبان و رقص نامیده می شود را در بر گرفت. موسسه اسمیتسونیان موزه ملی آمریکا در این گسترش معنا نقش مهمی ایفا کرده است و این امر با مشارکت و همکاری این نهاد با هزاران موسسه آموزشی، فرهنگی و دولتی محقق شده است.



Courtesy of Smithsonian Institution

یک گروه فرهنگی کامبوجی مستقر در ایالت مریلند، رقص سنتی "پری دریایی طلایی" کامبوجی را در جشنواره 2007 زندگی مردمی اسمیتسونیان اجرا می کند.

و قصه گویان، و همچنین بانجو نوازان کوهستان، خوانندگان گروه کر روسی، بلوز و سرود خوانان مذهبی می شد. اولین جشنواره آزاد حدود نیم میلیون نفر از مشتاقان را به سوی خود کشید. جشنواره فرهنگ عامه اسمیتسونیان اکنون رویدادی سالانه است که حدود یک میلیون نفر هر ساله در آن شرکت می کنند و فرهنگ کشور های دیگر را نیز به اندازه فرهنگ محلی به نمایش می گذارد.

جشنواره ی فرهنگ عامه اسمیتسونیان، با تأکید بر رسوم معمول شهروندان و حفظ میراث فرهنگی آنها، به طرز چشمگیری درک دیگر فرهنگ ها را توسعه می دهد و هم میل به گرمی داشت آنها را. همان گونه اجتماعات محلی و صنعتگران کمتر شناخته شده به نحو فزاینده ای به عنوان تکیه گاه های مهم تخیل و خلاقیت شناخته می شوند، حوزه و تعریف بیان فرهنگی "ارزشمند" و شایسته

ی حفظ، به گونه ای متناسب وسعت می یابد. در الگوها و سرمشق های جدید، موسسه های فرهنگی پایه پای اجتماعات مردم عادی الهام بخش میراث فرهنگی مشابه و مقابلی هستند و در میان دیگر موسسه های فرهنگی ملی و بین المللی عمل می کنند.

در اواخر دهه ی ۱۹۹۰، موسسه "میراث فرهنگی نامحسوس" (ICH) پدید آمد. این موسسه بازتاب دهنده اصول مورد حمایت در بازه زمانی قریب به چهار دهه است که توسط CFCH در کنار دیگر سازمان ها و موسسه های فرهنگی ایالات متحده، از جمله "کتابخانه مرکز فرهنگ آمریکایی کنگره"، "برنامه ی هنر های سنتی و عامه ی موقوفه ی ملی برای هنرها" و همچنین توسط متخصصان فرهنگ عامه ی کشور، پژوهشگران بین المللی و انجمن های هنرمندان و صنعتگرانی که آثار آنها بیانگر میراث فرهنگی شان است، تحقق یافته است. در حال حاضر ICH شکل دهنده ی تفاهم نامه های فرهنگی ملی و بین المللی، هردو، است.

کوشش های اولیه تنها به برتری و مزیت یادگار ها،

جشنواره نحوه زندگی محلی اسمیتونیان با تأکید بر این که چگونه شهروندان عادی مطابق با میراث فرهنگی خود عمل می کنند و آن را حفظ می نمایند، تا حد زیادی هم درک فرهنگ های دیگر و هم تمایل برای پاس داشتن از آنها را افزایش داده است.

مجسمه ها و دیگر دست ساخته هایی که در کشورهای پیشرفته و گروه های اجتماعی عمده ساخته می شدند، گرایش داشتند. موسسه های فرهنگی رسمی ملی، پیوسته در به رسمیت شناختن بیان های فرهنگی محلی و در مقیاس کوچک مربوط به دسته ها و گروه های متفاوت کشورهای خویش ناکام بودند. تشخیص و تایید صورت های نامحسوس که نشانگر جدایی بنیادی از رسوم پیشین هستند، اهمیت دارند و قلمرو بیان فرهنگی در خور حفظ و نگهداری را گسترش می دهند. حفظ و نگهداری میراث فرهنگی نامحسوس به شکل گیری فعالیت ها، تفاهم نامه ها و مباحث فرهنگی ملی و بین المللی تداوم می بخشد. صداهای متفاوتی به گوش می رسد و صورت های بیانی بیشتری را شامل می شوند. صیانت از فرهنگی جهان گستر، جهان شمول تر، دموکراتیک تر و بازتر می شود. موسسه های فرهنگی ایالات متحده آماده و پذیرای تشریح مساعی با موسسه ها و انجمن های درون و بیرون مرزها هستند تا فرهنگ انسانی را برای گسترش و غنی کردن مردم سراسر جهان حفظ کند.



نجات زبان های در معرض خطر

نوشته ژولیت بلوینز



جسی لیتل دو بارد (چپ) در رشته زبان شناسی در مؤسسه تکنولوژی ماساچوست تحصیل کرده و طرح احیاء زبان وامپانواگ را برای حفظ زبان سرخپوست هایی که در اولین شام شکرگذاری شرکت کردند، آغاز کرد. در این جا وی با فرماندار ایالت ماساچوست، دی وال پاتریک دست می دهد.

ژولیت بلوینز استاد زبانشناسی در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه شهر نیویورک، و مدیر اتحاد برای زبان های در معرض انقراض است.

ما در زمانه بحران جهانی زبان ها زندگی می کنیم. هر دو هفته، یک زبان منقرض می شود. نیمی از ۶۷۰۰ زبان دنیا در صد سال آینده در خطر نابودی قرار خواهند داشت.* در یکی از گزارش های تازه سازمان یونسکو گفته شده زبان ها به هویت افراد و گروه ها شکل می بخشند و نمونه ای از میراث ملموس فرهنگی آن ها هستند؛ عدم تلاش در حفظ و نگهداری آن ها، ضایعه ای اسف بار است.

ایالات متحده به لطف برخورداری از تاریخ دیرین مهاجرت و استقرار اقوام گوناگون در کشور، دارای طیف وسیعی از زبان های مختلف است. با این حال، بسیاری از زبان ها مخصوصاً زبان های بومی در خطر نابودی قرار دارند. در ۵۰۰ سال گذشته بیش از ۱۰۰ زبان بومی آمریکای شمالی از بین رفته، و تعداد زیادی هم به دلیل بالا بودن سن افرادی که به آن تکلم می کنند در معرض خطر

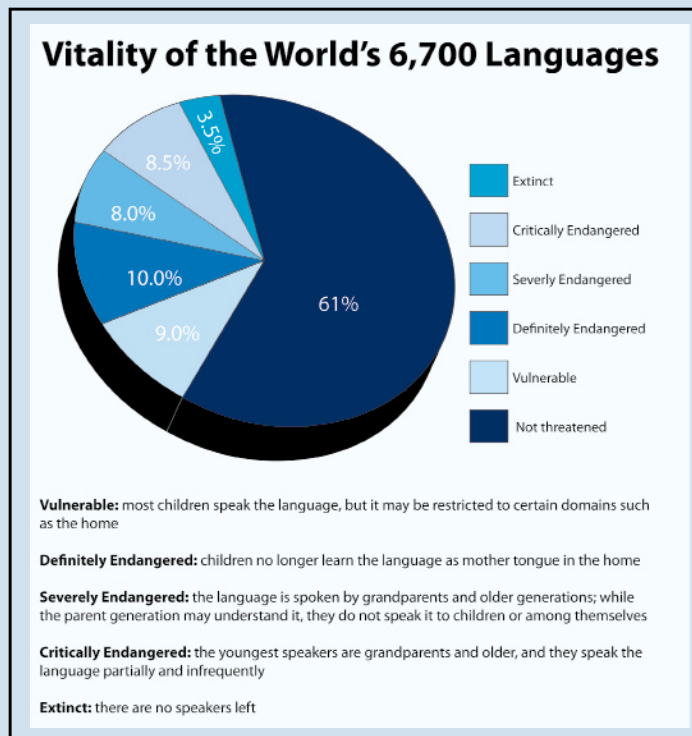
هستند. به همین جهت احیای زبان ها، حفظ و مستند سازی و آموزش - در بعضی موارد به طور کتبی- و تکلم به آن ها، در ایالات متحده اهمیت زیادی دارد.

تلاش های قابل توجهی برای احیای زبان ها از سوی افراد بومی آمریکایی در پیش گرفته شده که زبانشان مدت ها بلا استفاده و مسکوت بوده است. در ایالات متحده، داستان اولین عید شکرگزاری به همه بچه ها در مدرسه آموخته می شود، زمانی که نخستین گروه مهاجران و سرخ پوستان وامپانواگ (ویاناگ) در سال ۱۶۲۱ در کنار هم جشن گرفتند، اما تنها تعداد کمی می دانند که زبان وامپانواگ و دیگر زبان های آگونکویین شرقی کمی بعد از آن واقعه، از بین رفتند. در زمان انقلاب آمریکا، تنها تعدادی انگشت شمار از افراد مسن به این زبان ها تکلم می کردند و به غیر از آن، فقط یک فهرست و واژگان و ترجمه ای از کتاب مقدس از آن باقی بود. به برکت وجود این مطالب، و آن چه از زبان های مشابه باقی مانده بود، در سال ۱۹۹۷ چیزی شبیه به معجزه اتفاق افتاد.

جسی لیتل دو برد، یکی از سرخ پوستان وامپانواگ، همراه با یک فارغ التحصیل رشته زبان شناسی مؤسسه فن آوری ماساچوست که آرزویش صحبت کردن به زبان قبیله اش بود، پروژه احیای زبان وامپانواگ را آغاز کردند. امروز کلاس هایی برای آموزش این زبان ارائه می شود و یک فرهنگ لغات حاوی بیش از ۹۰۰۰ واژگان این زبان در حال تدوین است.

در تلاش استثنایی دیگری، حاصل کار درال بالدوین، زبان شناس و عضو قبیله میامیا و مدیر فعلی پروژه مربوطه است. درال در بزرگسالی زبان میامی، یکی از زبان های آگونکویین غرب میانه را به طور خودآموز فراگرفت، هر چند زمانی که او متولد شده بود، دیگر به این زبان تکلم نمی شد. تا اندازه ای به دلیل تلاش های او، این زبان از سوی گروه کوچکی که روبه افزایش است، مورد استفاده قرار می

سمت راست: ناپلیما گایسون، معلم پیش دبستانی، الفبای هواایی را با دانش آموزانش در کیو در هواایی مرور می کند. © AP Images / Tim Wright



Courtesy of Erin Riggs

داده ها از: موزلی، کریستوفر (ناشر). 2010. اطلس زبان های در خطر جهان، چاپ سوم. پاریس، انتشارات یونسکو. نسخه آنلاین:

<http://www.unesco.org/culture/en/endangeredlanguages/atlas>



Courtesy of Erin Riggs

داده ها از: نقشه زبانی انجمن زبان های نوین، ام ال ای.

http://www.mla.org/resources/map_main

اطلس یونسکو از زبان های در خطر جهان

سازمان آموزش، علوم و فرهنگ سازمان ملل (یونسکو) کار جمع آوری اطلسی از زبان های آسیب پذیر، در خطر و در حال انقراض را به عهده دارد. نقشه زیر توزیع برخی از ۵۷۸ زبانی را که یونسکو آنها را به عنوان زبان های "به شدت در خطر" رده بندی کرده است نشان می دهد.



The designations employed and the presentation of material in this Atlas do not imply the expression of any opinion whatsoever on the part of UNESCO concerning the legal status of any country, territory, city or area or of its authorities, or concerning the delimitation of its frontiers or boundaries.

منبع: موسلی، کریستوفر 2010. اطلس زبان های در معرض خطر جهان، چاپ سوم، پاریس، انتشارات یونسکو. نسخه اینترنتی: <http://www.unesco.org/culture/en/endangeredlanguages/atlas>

فرهنگی آن با خیراند. زبان ناواهو مانند سایر زبان های آتاباسکی، با بیش از ۱۱ پیشوندی که به بن فعل متصل می شوند، دارای پیچیده ترین ساختار واژگان است. یکی از مثبت ترین تلاش ها جهت احیای زبان های بومی در ایالات متحده، جان تازه ای به یکی از زبان های پولینزی، یعنی زبان هاوایی داده است. در قرن نوزدهم، ۳۷,۰۰۰ تن بومی به این زبان تکلم می کردند. آن ها از طریق این زبان موفق شدند داستان ها و سنت ها، ترانه ها و مذهب خود را انتقال دهند. اما در قرن بیستم این تعداد به کمتر از ۱۰,۰۰۰ تن رسیده بود و تعداد معدودی از آنان را جوانان تشکیل می دادند.

در سال ۱۹۸۳، کانون های زبان و برنامه های زبان پیش دبستانی (Aha Punana Leo) کار خود را در هاوایی آغاز کردند، تنها ایالتی که دارای یک زبان بومی معین است. کانون های زبان محیطی مناسب برای کودکان و بچه های پیش دبستانی فراهم کرده و با شیوه های طبیعی به تدریس

گردد، و بخش مکمل احیای فرهنگی میامی را تشکیل می دهد و شامل برنامه آموزش زبان به کودکان، تحقیقات مردم شناسی گیاهان، و انتشار داستان های میامی است. علاوه بر این نوع تلاش های فردی، بسیاری از قبایل هم طرح های احیاء، حفظ و مستندسازی را آغاز کرده اند. هر چند ناواهو (دینه بیزاد) با ۱۷۰,۰۰۰ تن گویشگر از جمله زبان های شمال مکزیک است که گویشگران بسیاری دارد، اما تعداد افراد ناواهو که به این زبان تکلم نمی کنند، روز افزون است و رشدی سریع تر از تعداد متکلمان دارد. چهل سال قبل، ۹۰ درصد از کودکانی که وارد مدرسه می شدند، زبان خود را بلد بودند، این میزان اکنون به ۳۰ درصد رسیده است. برای تقویت این زبان، کالج دینه واقع در تسیل در آریزونا، یک برنامه زبان ناواهو آغاز کرده تا دانشجویان را برای تدریس و ترجمه این زبان تربیت کند. خیلی از مردم آمریکا به خاطر نقش این زبان در ارتش و هنگام جنگ جهانی دوم، با آن آشنایی دارند، اما تنها معدودی از ساختار غنی و قدرت



©AP Images /Heard-Times, Jeremy Hogan

زبان می پردازند تا اطمینان حاصل کنند این زبان از یک نسل به نسل دیگر منتقل می شود. کار کانون های زبان بسیار موفقیت آمیز بود و به زودی به مدارس بیشتری نیاز پیدا شد. بعد از اجباری شدن یادگیری فرهنگ، زبان و تاریخ هاوایی در قانون اساسی این ایالت در سال ۱۹۸۷، وزارت آموزش و پرورش ایالتی اقدام به تأسیس کولا کاپوئی، یا مدارس ابتدایی و راهنمایی کرد. تعداد متکلمان به زبان هاوایی ۸۰۰۰ تن افزایش یافته و ده ها نشریه به این زبان منتشر می شود. گوناگونی زبان ها در ایالات متحده از طریق تعداد کثیری از زبان هایی که مهاجران با خود به این کشور آورده اند، هرچه بیشتر تقویت شده است. در شهر

۳۰۵ مایل مربعی نیویورک، به ۸۰۰ زبان صحبت می شود؛ این شهر به لحاظ تنوع زبانی در جهان مقام اول را دارد. حال آن که نیمی از این زبان ها در شرایط خوبی هستند، اما دست کم نیمی از آن ها نیز در معرض نابودی و یا تهدید جدی قرار دارند.

در چند سال گذشته، زبان شناسان، فعالان در زمینه زبان و رهبران جوامع در نیویورک و دیگر شهرهای بزرگ آمریکا گرد آمده و به احیا و آموزش و مستند سازی زبان هایی مشغول هستند که در آستانه انقراض قرار دارند. به طور مثال، سازمان وحدت زبان های رو به انقراض در شهر نیویورک، یک سازمان غیرانتفاعی است که در جهت شناسایی، ضبط و حفظ زبان هایی فعالیت دارد که در معرض خطر نابودی قرار دارند. از میان این زبان ها می توان به ماسالیت و زاگوا، که پناهندگان دارفور به آن تکلم می کنند؛ گزویستلا هواکا آموزگو، آیاتلا مازاتک، و ده ها زبان بومی مکزیک و آمریکای مرکزی اشاره کرد. و همین طور زبان های در معرض خطر در منطقه قفقاز، از جمله سوان و مینگرلین؛ و تعداد زیادی هم از زبان های غرب آفریقا. حمایت گسترده مردمی از این سازمان نوپا که کارمندان آن را افراد داوطلب تشکیل می دهند، نشانگر ارزش زیادی است که آمریکایی ها برای گوناگونی فرهنگی و زبانی قائل هستند. "مراکز زبان" تازه ای تشکیل شده و دور از شهرهای

بزرگ آمریکا کار خود را آغاز می کنند. این مراکز پاسخگوی نیازهای جوامع زبانی هستند و می توانند خدمات زیادی ارائه دهند، از جمله آموزش به اعضای جامعه در مستند سازی زبان و توصیف آن، و برگزاری کلاس های زبان، تدوین فرهنگ لغات، و یا درست کردن نقشه هایی با اسامی جغرافیایی بومی. یکی از باسابقه ترین مراکز زبان، مرکز زبان بومی آلاسکا است که در سال ۱۹۷۲ و در پی

استادی، زبان سواحیلی را طی تابستان در تعاونی مؤسسه زبان های آفریقایی در ایالت ایندیانا تدریس می کند. این مؤسسه به دنبال افزایش تعداد افرادی است که در ایالات متحده به زبان های آفریقایی تکلم می کنند.

دستور مجلس قانون گذاری جهت مستندسازی و پرورش ۲۰ زبان بومی این ایالت، تأسیس شد. سایر مراکز عبارتند از مؤسسه میراث فرهنگی سیلاسکا در آلاسکا، مرکز زبان تری ریورز در ایندیانا، و آکادمی زبان ناواهو در ویندو راک، واقع در آریزونا. در مقابل، در شهرها هم مراکز زبان برای احیا و حفظ زبان های مهاجران تأسیس شده اند. برای مثال، مؤسسه ایووبرای پژوهش در زبان عبری در نیویورک واقع است، که یکی از بزرگترین مراکز پژوهشی زبان عبری است. در سراسر ایالات متحده، قبایل، گروه های اجتماعی، سازمان های دولتی، سازمان های خیریه، دانشگاه ها، سازمان های تخصصی، و افراد حقیقی، در احیا و حفظ گوناگونی زبان ها تلاش می کنند.

** این که یک زبان در چه زمانی مواجه با خطر تلقی می شود، بحثی طولانی دارد، اما دو عامل مهم را باید مد نظر قرار داد. نخست، تعداد سخنگویان آن زبان است. دوم و مهم تر، سن جمعیتی است که به آن زبان تکلم می کنند. زبانی می تواند دارای صدها هزار متکلم باشد، اما چنانچه اکثریت آنان را افراد بالای سنین ۴۰ سال تشکیل بدهند، نشانه این است که آن زبان به کوچکتر ها منتقل نشده و طی یک تا دو نسل آینده احتمال انقراض دارد.*

حفاظت از زبان های بومی آلاسکا- کلمه به کلمه

نوشته کایل هایپکینز



گیوم لودوی برای یادگیری ایپاک، یک زبان بومی آلاسکایی که در حال انقراض است از فرانسه به آلاسکا مسافرت کرد. لودوی کتاب "به افتخار ایپاک: هنر آنا نلسون هاری"، نوشته مایکل کراس زبان شناس را در دست دارد.

کایل هایپکینز گزارشگر انکورج دیلی نیوز است.

مونا کاری یک صبح تابستان در اتاق نشیمنی در بزرگترین شهر آلاسکا نشسته بود و به دقت گوش می داد. مرد فرانسوی جوان که روبروی او نشسته بود گفت، "آوا، آهدها" گیلوم لدوئی جوان خجالتی ۲۱ ساله علاقه مند به زبان، تمام تلاش خود را می کرد تا واژه معادل "متشکرم" را به زبان ایپاک زبان بومی آلاسکایی در حال انقراض بازسازی کند.

ماری اسمیت جونز، مادر کاری، آخرین گویشور بومی این زبان بود. با مرگ او در سال ۲۰۰۸ این زبان هم برای همیشه از بین رفت. اولین زبان از ۲۰ زبان بومی آلاسکا که ناپدید شد. متخصصان نگرانند که به زودی زبان های بیشتری این رویه را در پیش گیرند مگر این که نسل های جدید گفتار اسکیموها و سرخ پوستان را فرا گیرند. هم اکنون، لدوئی مرد جوان زیبا رو، و لاغری با ته ریش و دستمال سر، در خانه یکی از دوستانش در آنکورج، زبان اجداد کاری را با لهجه ای فرانسوی صحبت می کند. کاری، که احساس ناشی از شنیده شدن زبان مادری اش او را متحول کرده بود، از لدوئی درخواست کرد تا این کلمه را یک بار دیگر تلفظ کند.

او به زبان ایپاک تکرار کرد: "متشکرم" لدوئی که از شهر لو هارو، فرانسه، شهری با حدود ۱۸۰,۰۰۰ جمعیت از آنکورج بازدید می کرد، حداق به شش زبان صحبت می کند یا در مورد آنها مطالعه کرده است. او در فرانسه با رویای گویش های غیربومی بزرگ شد در حالی که دیگر پسرها به بازی با پلی استیشن مشغول بودند. دیدار لدوئی از کوردوا، در آلاسکا، که در روزنامه های محلی و وال استریت ژورنال چاپ شد، باعث برانگیختن جرقه صحبت هایی در آلاسکا نه تنها در زمینه مستندسازی زبان های مرده، بلکه احیای آنها شد. بسیاری به زبان های ایپاک به عنوان یک

طلایه دار نگاه می کردند، تا زمانی که نسل های جوان صحبت کردن و تدریس دیگر زبان های بومی آلاسکا را فرا نگیرند، آنها نیز در خطر منقرض شدن قرار دارند.

لدوئی گفت: "سفر من به آلاسکا امکان روبرو شدن با سرنوشت مردمی در جستجوی هویت خود و درک این موضوع را داد، که انقراض یک زبان موضوع غیر قابل بازگشتی است."

لورا بلیس اسپان، فیلم سازی از آنکورج که کارگردانی مستندی را با موضوع مادر کاری در سال ۱۹۹۵ برعهده داشت گفت: "برای اولین بار من علاقه و اشتیاقی واقعی برای دنبال کردن گفته " ما می خواهیم در این زمینه کاری انجام دهیم" را مشاهده کردم.

او با شورای حفاظت از ایپاک در برانگیختن علاقه به زبان، که در طی دهه های گذشته کمرنگ شده است همکاری



© AP Images/Anchorage Daily News, Marc Lester

ماری اسمیت جونز، رئیس قبیله آخرین بومی که به زبان ایپاک تکلم می کرد، در سال 2008 در 89 سالگی در گذشت.

ایپاک نمودار شده اند. لئودی از زمان بازگشت به فرانسه، با بلیس اسپان و دیگران در حال کار روی پروژه ای است تا یک کلمه یا عبارت به زبان ایپاک را هر هفته در فیس بوک و توئیتر منتشر کنند.

<http://www.facebook.com/group.php?gid=49706794284&ref=search>

لئودی در ایمیلی پس از بازگشت به فرانسه نوشت: "این مبارزه هنوز تمام نشده است. [ایپاک ها] همانند سربازانی هستند و من تنها وظیفه دادن سلاح به آنها برای مبارزه را بر عهده دارم. بهترین هدیه ای که از آنها دریافت کرده ام شجاعت آنان است."

دارد.

مایکل کراوس زبان شناس اهل فرینکس، که دیکشنری زبان ایپاک را تهیه کرده و تا حدودی به عنوان مربی در طول بازدید لئودی با او همراه بود گفت، ایپاک توسط مردمان بومی ساحل خلیج آلاسکا جایی که امروزه شرق کوردوا تا یاکوتات است صحبت می شده است. تا جایی که تاریخ نویسندگان و زبان شناسان می گویند، هیچ گاه بیش از چند صد ایپاک وجود نداشته اند.

پیش از ورود آمریکایی ها به آلاسکا، ایپاک ها توسط مردم تلینگیت در جنوب شرقی آسیا، در حال جذب شدن بودند. کاری، که به گفته او مادرش به جرم صحبت کردن ایپاک در مدرسه تنبیه شده بود، تخمین می زند که کمتر از ۱۲۰ نفر که حتی یکی از پدر و مادر آنها ایپکی است باقی مانده باشند. لئودی را در نوجوانی تصور کنید، که تصادفا زمانی که به دنبال اطلاعاتی در زمینه زبان های بومی متنوع آلاسکا می گشت با این زبان آشنا شد. او با پیدا کردن آدرس ایمیل بلیس اسپان کپی دی وی دی های آموزشی که در مورد زبان تهیه کرده بود را درخواست کرد. او در سن ۱۳ سالگی مطالعه در زمینه ایپاک را آغاز کرد.

زمانی که این دو نفر سال ها بعد در پاریس ملاقات کردند، این فیلم ساز از دیدن این که مرد جوان در حال فراگیری این زبان بود و می توانست تمام متن های کتاب کراس را نقل کند بسیار متعجب بود.

او لئودی را به آلاسکا دعوت کرد دعوتی که به یک اقامت شش هفته ای از ژوئن ۲۰۱۰ تبدیل شد. کراس در فرینکس، وظیفه تجزیه و تحلیل کلمه به کلمه داستان های سنتی ایپاک را به لئودی واگذار کرد، تا به تسلط او بر این زبان افزوده و توانایی های او را به محک گذارد.

کراس در ماه ژوئن گفت: "کار من، حتی اگر توانایی به اتمام رساندن چیزی را که دوست دارم داشته باشم، هم چنان جای کار زیادی برای کسانی که می خواهند مطالعه بیشتری در این زمینه داشته باشند دارد."

رسیدن به این هدف انتظار نامعقولی از لئودی، جوانی بیست و چند ساله است که هنوز برای زندگی خود در حال تصمیم گیری است. در اوایل سفر او به آلاسکا، مشخص نبود که آیا می خواهد طلایه دار این زبان باشد یا خیر. لئودی هم چنین یک مجسمه ساز مشتاق است. بلیس اسپان می گوید: "هر چه او بیشتر در آلاسکا می ماند، با مردم بیشتری ملاقات می کرد، و بیشتر احساس می کرد که این چیزی بود که او صد در صد متعهد به انجام آن است."

لئودی در ایمیل اخیر خود نوشته است: "برنامه من کار با دکتر کراس و کار با مردم ایپاک، برای آموزش این زبان به آنهاست. آنها کلید اصلی حفاظت [و] احیای این زبان هستند."

در حال حاضر نشانه هایی از زندگی نیز برای زبان

داستان گوی به سبک بومی آمریکایی

زنده نگه داشتن فرهنگ داکوتا از طریق بیان واژگان

هایی مواجه هستید.

ویلسون: قصه گویی از

حوزه های فرهنگی داکوتا است که ادامه دادن آن مشکل است زیرا داستان هایی که من شنیده ام به زبان ویچی ینا است و زمانی که می گوئیم این داستان ها را به انگلیسی، که زبان اکثریت مردم در جایی است که ما در آن زندگی می کنیم، بیان کنیم بسیاری ظرایف را از دست می دهد... بنابراین قصه گویی دشوار است. با این حال، من در کلاس هایم، بخش ها یا عبارات مشخصی از داستان ها را به زبان ویچی ینا بیان می کنم. من همیشه وقتی که قصه می گویم به صورت شنوندگانم نگاه می کنم تا ببینم آیا توانسته ام قصه را به آنها بفهمانم؟ آیا توانسته ام با آنها ارتباط برقرار کنم؟ و به نظر می رسد حتی اگر آنها دقیقاً آن چه را که می گویم نفهمند، ارتباط تا حدودی برقرار می شود و آنها پیام داستان را دریافت می کنند.

سوال: برخی از درونمایه های اصلی قصه گویی داکوتایی را بیان کنید.

ویلسون: ما در آموزه های خود می گوئیم که ما در نتیجه ی تکامل تدریجی این گونه هستیم. یکی از گونه های کاملاً اولیه که تا حدی شبیه انسان بود، آنکتومی یا مرد عنکبوتی بود. البته نه این مرد عنکبوتی که امروزه در تلویزیون دیده می شود. آنکتومی، بدوی بود اما سعی می کرد متمدن رفتار کند ولی با این رفتار همخوانی نداشت. مردم ما باور دارند که وقتی ما به موجودات بشری تکامل یافتیم، بخش هایی از وجود ما هرگز تغییر نکرده و همیشه نیز بدوی باقی می ماند [این یکی از درونمایه های مهم در قصه ها است]. چهار بخش



ماری لونیز دیفندر ویلسون (بالا سمت راست) داستانی را از داکوتا در شهر هوفسوس، آیسلند روایت می کند. حاضرین شامل شهروندان از هر دو ایالات متحده و آیسلند می باشد.

Image by Troyd Geist, courtesy of the North Dakota Council on the Arts

ماری لونیز دیفندر ویلسون در وهله نخست سیوکس داکوتایی است و همچنین به عنوان قصه گوی بومی آمریکایی شناخته می شود. ویلسون در سال ۱۹۹۹ کمک هزینه تحصیلی انجمن میراث هنرهای ملی را دریافت کرد و در حال حاضر در کالج سیتینگ بول در داکوتای شمالی تدریس می کند.

سوال: لطفاً برخی از ویژگی های فرهنگی مردم داکوتا را توضیح دهید.

ویلسون: خوب، مردم داکوتا یکی از چهار گروه عمده مردم سیوکس هستند. آن گونه که من بر اساس سنت های شفاهی مان در مورد این که ما چه کسی هستیم در می یابیم، این است که مردم داکوتا از روش صحبت کردنشان شناخته می شوند. من از جمله مردمی هستم که می گویند به زبان ویچی ینا صحبت می کنند.

سوال: شما برای حفظ قصه گویی داکوتایی با چه چالش

همیشه با ما باقی می ماند [که معمولا در قصه ها ثبت شده است]. اولین بخش نیاز به غذا است. دومین بخشی که امروزه نیز با ما همراه است خشم و خشونت است. سومین بخش، رفتار گروهی است و چهارمین بخش طبیعت جنسی است که همیشه با ما همراه است. مردم ما کارهای مشخصی انجام داده اند که طلایه دار آن بوده اند، یا کارهایی که هرگز به آنها مشغول نبوده اند و یا به شکلی از آنها رویگردان بوده اند. این ها برخی از درونمایه های داستانی هستند و به نظر من به روش کنونی زندگی ما هم مربوط می شود.

سوال: لطفا در مورد داستانی که خود شما شخصا دوست دارید توضیح دهید:

ویلسون: داستان "جهان هرگز پایان نمی پذیرد" در مورد یک پیرزن... پیر زنی در زمان های بسیار قدیم بود که در غار زندگی می کرد. پیرزن صاحب سگی بود که به همراه او در غار زندگی می کرد. او در این غار آتش روشن کرده بود... و روی این آتش، دیگی بار گذاشته بود و غذا می پخت.

او مشغول تیغ کاری و چین دادن نواری بود که می خواست روی لباس خود بدوزد. همان طور که می دانید، ما قبل از آن که از فروشندگان، مهره و منجوق برای تزئین لباس خود بخریم، از تیغ جوجه تیغی برای این کار استفاده می کردیم. باری، او داشت با تیغ جوجه تیغی لباس اش را به سلیقه خود تزئین می کرد. در همین زمان آتش خاموش شد، او بلند شد و چوب در آتش ریخت. اما همین که برخاست تا این کار را انجام بدهد، چون خیلی پیر بود و آهسته حرکت می کرد، سگ تمام کاری را که او انجام داده بود به هم ریخت.

بنابر این، او برگشت و دوباره نشست و با خود اندیشید، "من فکر می کردم این کار را انجام داده ام، گویا این لباس را قبلا کامل کرده بودم". او دوباره شروع کرد. سپس، آتش دوباره خاموش شد. او باز هم برخاست و رفت که چوب در آتش بیاندازد و باز سگ تمام کارهایی را که او انجام داده بود، شکافت. این داستان به همین منوال ادامه پیدا می کند.

اما داستان می گوید که اگر او دوخت لباس را به پایان برساند، جهان به آخر می رسد. به همین خاطر است که این داستان "جهان هرگز پایان نمی پذیرد" نام دارد، چون این سگ در به هم ریختن کاری که پیرزن انجام داده است، بسیار با کفایت است.

سوال: شما فرهنگ داکوتا را با آموزش زبان ویچی ینا در کالج سینتینگ بول حفظ می کنید. چه چیز دیگری تدریس می کنید؟

ویلسون: من «مطالعات زنان بومی» درس می دهم. در این کلاس من از نوشته های مختلف زنان [بومی آمریکا] استفاده می کنم و به تاریخ چگونگی تغییر وضعیت زنان از روزگاران گذشته تا اولین تماس [با غربی ها] و وضعیت فعلی زنان می پردازم.

سوال: چرا شما فکر می کنید قصه گویی بخش مهمی از حفظ فرهنگ است؟

ویلسون: زیرا قصه به ما می گوید که چگونه بشری هستیم. همان طور که می دانید، شما از چیزی صرفا به خاطر این که زیبا است یا دوستش دارید، محافظت نمی کنید. به نظر من شما گاهی اوقات چیزی را برای مردم خود حفظ و نگهداری می کنید که می تواند به ارتقاء تمدن کمک کند. این همان کاری است که مردم داکوتا انجام داده اند. اما ادامه آن دشوار است، زیرا قطعا مردم فکر می کنند چیزهای دیگری مهم تر از حفظ فرهنگ ما وجود دارد. اما قصه گویی از آن جهت مهم است که شما با آن به درک خود به عنوان موجود بشری نائل می شوید.

برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:
شورای هنر داکوتای شمالی: انتشارات

http://www.nd.gov/arts/whatsnew/publications_recordings.html

انجمن میراث فرهنگی NEA

<http://www.nea.gov/honors/heritage/index.html>

انتشارات هنرهای سنتی و فرهنگ عامه NEA

<http://www.nea.gov/pub/pubFolk.php>



Image by Troyd Geist, courtesy of the North Dakota Council on the Arts

ویلسون و سگش ساپا- که به زبان داکوتایی به معنی "سیاه" است- روی صخره ای واقع در کمپ سرخپوستان در داکوتای شمالی.

چند زبانه بودن

مهاجران آمریکا گهگاه با تنش بین حفظ زبان بومی خویش و آموختن زبان انگلیسی رویارو می شوند، این تنش همچنین دامن کودکان آن ها را نیز می گیرد. نقل قول های زیر نشان می دهد که آمریکایی ها چگونه با این چالش دست و پنجه نرم می کنند و نگرش آن ها تا چه حد تغییر کرده است.

شخصی او را به تصور درآوردم و برای این کار در پی حفظ جوهر و اساس آن بر آمدم."
- به نقل از: تان، امی. "زبان مادری." چاپ نسخه ی اصلی با نام "زیر نگاه غربی" در تری پنی ریویو، ۱۹۹۰، صص ۳۱۵-۳۲۰.

"اصطلاح «زبان موروثی» بر زبان آموخته شده در خانه دلالت دارد که با زبان حاکم بر جامعه متفاوت است... بعدها در زندگی، مهارت در یک زبان موروثی، برای من شغل سخنگویی را همراه با فرصت ها و امتیازات بیشتر، چه در محیط علم و ادب و چه در زندگی حرفه ای یا دنیای شغلی به ارمغان آورد"
- دانشگاه کالیفرنیا، سن دیگو، برنامه ی زبان موروثی به نشانی اینترنتی

<http://linguistics.ucsd.edu/language/heritage-languages.html>
"برای بسیاری از ما که از کشورهای مختلف آمده ایم، مشکلاتی که با لهجه و شیوه ی بیان آمریکایی داریم به ترکیب های نحوی غیر منتظره و تغییرات حیرت انگیز سبک بیانی تبدیل می شود که زبان را غنا می بخشد و ما را توانگر می سازند."

- گریگوری دیانیکیان، شاعر ارمنی تباری که از کشور مصر به ایالات متحده مهاجرت کرده است، نشان می دهد که مهاجران دیگر کشورها چگونه زبان انگلیسی را تحت تاثیر قرار می دهند.
به نقل از: ستایش شاعر از پیک نیک های خانوادگی و "دیگ در هم جوش بزرگ" زبان. ساعت اخبار پی بی اس (۴ ژوئیه ۲۰۰۷).

http://www.pbs.org/newshour/bb/entertainment/july-dec07/pic-nic_07-04.html

- باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی انتخاباتی در سال ۲۰۰۸ گفت: "ما باید کاری کنیم که کودکان مان به بیش از یک زبان سخن بگویند... اگر شما یک زبان خارجی بدانید، ابزار نیرومندی در اختیار خواهید داشت."

- ریچارد رودریگوئز مقاله نویس در توضیح تنش بین آموختن زبان اسپانیایی، زبان مادری او، و زبان انگلیسی می گوید: من زبان اسپانیایی را زبانی اختصاصی می دانم... بدون شك، این امر کار مرا در هنگامی که وارد کلاس اسپانیایی می شدم و از سوی استادان مورد خطاب قرار می گرفتم، راحت ساخته بود. احساس ترس چندانی نمی کردم... اما من که تعلل ورزیده و آن را به بعد موکول کرده بودم مجبور شدم زبان عموم جامعه را یاد بگیرم... اما اعتقاد نداشتم که زبان انگلیسی، زبان مورد استفاده ی من باشد."

به نقل از: رودریگوئز، ریچارد. تمنای خاطره: تحصیلات ریچارد رودریگوئز، یک زندگینامه خودنوشت. نیویورک: دیابل پرس، ۱۹۸۲، ص ۱۹.

- شرح امی تان نویسنده از درک خویش نسبت به مادرش، یک مهاجر چینی، در دوران کودکی و توضیح چگونگی تغییر آن هنگام نوشتن کلپ جوی لاک اینچنین است:
"در پرورش من، انگلیسی «محدود» مادرم، درک مرا از او محدود می ساخت. من از زبان انگلیسی او خجالت می کشیدم. اعتقاد داشتم که زبان انگلیسی او بازتاب کیفیت آن چیزی بود که باید بگوید... بعدها تصمیم گرفتم که برای داستان هایم خواننده ای را در ذهن مجسم کنم و این خواننده مادرم بود، چون این داستان ها در مورد مادران بود... زبان

به عاریه گرفتن واژگان در زبان انگلیسی

زبان انگلیسی پذیرای واژگان بسیاری از زبان های دیگر است. چند نمونه در اینجا نقل می شود.

زبان مبدا	معنای فارسی	کلمه به عاریه گرفته در زبان انگلیسی
اسپانیایی	ناو جنگی	Armada
عربی	بازار	Bazaar
فارسی	شطرنج	Chess
آلمانی	خوراک آماده	Deli/ Delicatessen
روسی	نماد؛ تندیس	Icon
هندی	شامپو	Shampoo
ژاپنی	سونامی	Tsunami
چینی	واگ (ماهیتابه چینی)	Wok



بنیاد آثار موسیقی

"موزه صدا"

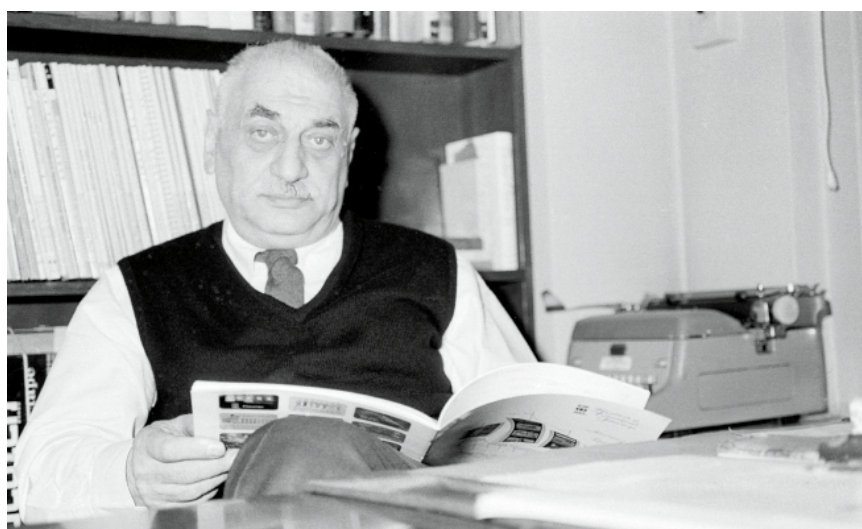


Smithsonian Folkways Recordings

نوشته دی. ای. سونبورن و مگان بانر ساترلند

با کسب مجوز از بنیاد اسمیتسونیان © 2010

است که دهها هزار فایل صوتی موسیقی، کلام، شعر، درام، دستورالعمل و صداهای طبیعی و دست ساخته ی انسان را در دسترس عموم قرار داده است. بنیاد اسمیتسونیان پایه گذار گروه موسی آش در سال ۱۹۸۷ به کسب عنوان ضبط مستقل، موسسه خدمت رسانی و ضبط آثار موسیقی نائل گشت. آش، پسر یک نویسنده یدیش نامدار، شناخت و درک عمیقی از بیان هنری و فرهنگی از هر نوع داشت. او با شور و شوق بر آن شد که چگونگی انتقال انسانیت ما با موسیقی و صدا را نشان دهد. وی در جستجوی ضبط های جاودانه به جای موسیقی عامه پسند، آن چه را که خود "موسیقی مردم" می نامید، ارزشمند می دانست.



Courtesy of Ralph Rinzler Folklife Archives and Collections, Smithsonian Institution, photo by Diana Davies

موسی آش صفحات شیوه های مردمی را بنیان گذاشت و حفظ موسیقی مردمی آمریکا و جهان را حرفه زندگی خود ساخت.

آش تمام کاتالوگ های ضبط های موجود را - که در نهایت بیش از ۲۰۰۰۰ آلبوم بود- نگه می داشت، اعم از آن که یک آلبوم در ۱ سال یک نسخه فروخته بود یا آن که هر سال هزاران نسخه می فروخت. آش اعتقاد داشت که از طریق رسانه ی صدای ضبط شده، هرکسی می تواند تفاوت های نژادی، زبانی، قومی و دیگر تفاوت ها را برای افزایش ادراک فرهنگی اش ارتقا دهد. از همان بدو شروع استفاده از برچسب، آش به مستند کردن جهان صدا و استقبال از موسیقی سنتی ایالات متحده و دنیا، با کمک قابل توجه پژوهشگران، متصدیان ضبط صدا و علاقه مندان سراسر جهان پرداخت. بسیاری از کشورها در تلاش برای تشویق و بیان غرور فرهنگی و ملی، احیا و بهبود موسیقی فولکلوریک در نیمه دوم سده بیستم را تجربه کردند. آش علاوه بر ضبط کار نوازندگان خوش قریحه موسیقی عمومی در استودیو، اغلب ضبط صدا

دکتر دی. ای. سونبورن مدیر بنیاد آثار موسیقی مردمی اسمیتسونیان است.

"...من تمام امکانات خودم را... به منظور تاسیس سازمانی برای ارتقاء و نشر آگاهی و شناخت، تحت عنوان بنیاد اسمیتسونیان در واشنگتن، برای ایالات متحده ی آمریکا به جا گذاشته ام."

<http://siarchives.si.edu/history/exhibits/documents/smithsonwill.htm>

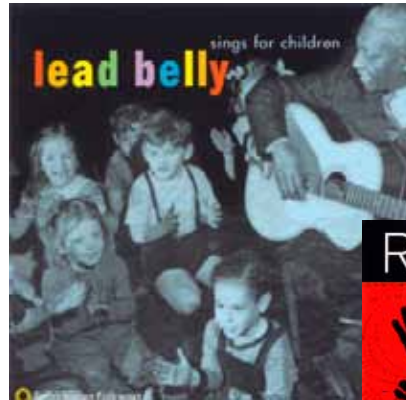
در سال ۱۸۴۶ کنگره ی ایالات متحده، پس از دریافت موقوفه جیمز اسمیتسون، دانشمند بریتانیایی، به تاسیس بنیاد اسمیتسونیان به عنوان یک بنیاد عمومی مستقل پرداخت. در حال حاضر بنیاد اسمیتسونیان بزرگترین مجتمع تحقیقاتی و موزه ملی در جهان به شمار می رود. این بنیاد که خود را وقف حفظ و نشر شناخت و آگاهی کرده است، میلیون ها صنایع دستی و دیگر شکل های بیانی فرهنگ های جهان، جوامع و هویت ها- چه مادی و چه معنوی [محسوس و نامحسوس] - را در دسترس همگان قرار می دهد.

آخرین وصیت نامه جیمز اسمیتسونیان یک موزه ی صدا

سمت راست: دیزی گیلزپی، نوازنده شیپور موسیقی جاز: یکی از چندین نوازنده ای که موسیقی وی توسط بخش ضبط روش های محلی اسمیتسونیان حفظ می شود
AP Images ©.

در عمل و در زمینه ی اصلی آن را ترجیح می داد. او به کمک گردآورندگان و کلکسیونرهایی که وسایل ضبط صدا را برای سازندگان موسیقی جوامع دورافتاده، چه در يك روستای كوچك ماهیگیری در نیوبرونزویك كانادا، و چه در يك اردوگاه قبیله ای در اعماق جنگل های استوایی كنگو، به ارمان می بردند، آلبوم های بسیاری منتشر ساخت.

برای كمك به فهم بهتر شنوندگان از زمینه و بافت فرهنگی موسیقی، بسته بندی ضبط های فولکلوریک گونه، معمولاً به همراه حاشیه های همه جانبه و گسترده



"شيوه های مردمی مؤسسه اسمیتسونیان" سبک های موسیقی بسیاری را ضبط و تولید می کند، از جمله یک آلبوم ترانه های کودکانه توسط لید بلی، موسیقیدان آمریکایی آهنگ های بلوز (در بالا) و یک آلبوم از موسیقی با ریشه های لاتین (راست).

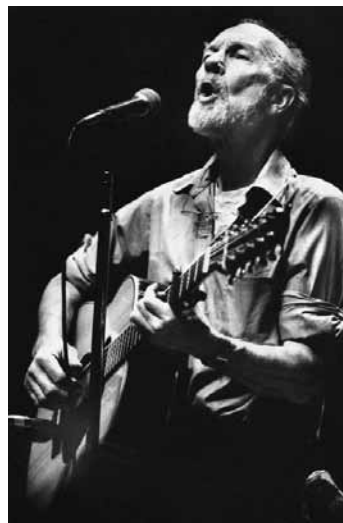


هر دو آلبوم از رانف ریترز، مؤسسه اسمیتسونیان (برای کلکسیون ها و بزرگانی های رایگان زندگی مردمی)

انجام می شد.

این حاشیه ها شامل تصاویر، ترجمه اشعار، اطلاعاتی پیرامون سازها، زندگی نامه ی اجراکنندگان و تاریخچه مکان هایی می شدند که ضبط های میدانی در آنجا انجام می شد. ضبط های فولکلوریک تأثیری عمیق بر آن چیزی گذاشتند

که اکنون تحت عنوان موسیقی جهان به آن ها اشاره می شود. افزون بر این، آتش در استفاده از موسیقی کوکان برای اهداف آموزشی، یک پیشگام محسوب می شد. او موسیقی را وسیله ای می دید که خلاقیت، حرکت و فهم چند فرهنگی را ارتقا می دهد. بر چسب ضبط های او، موسیقی عامیانه و آثار شاخص تاریخی و فرهنگی را برای کودکان و نوجوانان در تمام مراحل یادگیری، از نوازندگان



پیت سیگر، یکی از خوانندگان مردمی بی شمار آمریکا است که موسیقی او توسط برنامه های ضبط شده شیوه های مردمی حفظ شده است.

بلوز آمریکایی فراهم آورده است.

بنیاد اسمیتسونیان، از زمان جمع آوری آثار موسیقی مردمی نزدیک به يك ربع قرن پیش، وعده داده است که کل کاتالوگ های آثار موسیقی مردمی را در دسترس مردم قرار دهد. این کار بر روی مجموعه اولیه، با انتشار موسیقی جامعه محور و با افزودن دیگر برچسب ها و مجموعه آثار ضبط شده مستقل و به لحاظ فرهنگی شاخص، گسترش یافته است که از جمله آنها عبارتند از:

بنیاد آثار موسیقی مردمی اسمیتسونیان در حمایت از حقوق هنرمندان و بهره بردن آنان از ضبط آثارشان نیز گام هایی برداشته است. این بنیاد علاوه بر افزایش میزان حق التألیف هنرمندان که همیشه فقط چند پنی در ازای هر فروش بوده است، بر آن است که حتی اگر هنرمندی فقط چند دلار طلبکار باشد، حق التألیف او را افزایش قابل توجهی بدهد.

بنیاد آثار موسیقی مردمی

اسمیتسونیان برای ضبط آثار جدید،

مطالب و آثار را به چند شیوه انتخاب

می کند. [در وهله نخست] کمبودهای خاص مورد نظر قرار می گیرند، سپس به دنبال سرمایه گذار می گردند و یک آلبوم یا مجموعه کاملی از آثار ضبط می شود. در برخی موارد گروه سومی – مثل یک موسیقیدان یا یک متخصص دیگر، یک هنرمند و یا یک موسسه- ضبط یک اثر را که مناسب با رسالت اسمیتسونیان است را پیشنهاد می دهند. انتشار مجدد یک اثر منفرد هنرمند یا گردآوری یک گونه ی خاص از میان آثار ضبط شده موجود در مجموعه آرشیوی، همیشه همراه با صدای مادر جدید و یادداشت و بسته بندی جدید است.

مجموعه آثار بنیاد اسمیتسونیان – همه نوارهای مادر،

آلبوم ها، آثار هنری و متون_ در انبارهایی با دما و رطوبت کنترل شده نگهداری می شوند و این امر شامل آثار قابل فروش و مکتوبات مربوط به این آثار نیز می شود. این بنیاد با دیجیتالی کردن همه ی کاتالوگ ها همه آثار آرشیوی را به صورت آنلاین در اختیار عموم می گذارد و بر حسب تقاضا سرویس داخلی آرشیوسازی را که ارائه یک سی دی یا کاست صوتی است، به صورت فوری انجام می دهد. بنیاد اسمیتسونیان به عنوان یک موزه صوتی. www.folkway.si.edu

می کوشد برای مخاطبانش منابع شنیداری مناسب را تامین کند و به آنان بیاموزد که موسیقی و صدای فرهنگ های گوناگون را در سراسر جهان تحسین کنند، و به این ترتیب سعی دارد دانش، فرهنگ و سنن مردم آمریکا و سایر ملل را افزایش و گسترش دهد.

برای دسترسی به نمونه هایی از آرشیو آثار موسیقی مردمی اسمیتسونیان لطفا به نشانی زیر مراجعه کنید: http://www.america.gov/persian/cultural_heritage.html



برای اطلاعات بیشتر لطفا از تارنمای زیر دیدن کنید:

Cook

http://www.folkways.si.edu/find_recordings/Cook.aspx

Dyer-Bennet

<http://folkways-beta.si.edu/listen2.aspx?type=preview&trackid=48536>

Fast Folk

http://www.folkways.si.edu/find_recordings/FastFolk.aspx

Monitor

http://www.folkways.si.edu/find_recordings/Monitor.aspx

M.O.R.E.

http://www.folkways.si.edu/find_recordings/MORE.aspx

Paredon

http://www.folkways.si.edu/find_recordings/Paredon.aspx

Smithsonian Folkways Recordings

<http://www.folkways.si.edu/>

Independent Record Labels, Collections and Albums Mentioned in the Article

Lead Belly

<http://www.folkways.si.edu/albumdetails.aspx?itemid=2528>

Science of Sound

<http://www.folkways.si.edu/albumdetails.aspx?itemid=1092>

Narrations of Frederick Douglass' Writings

<http://www.folkways.si.edu/albumdetails.aspx?itemid=1037>

Collector

http://www.folkways.si.edu/find_recordings/Collector.aspx

نواختن طبل توسط یک زوج برای موسیقی سنتی غنا

مردم به آن علاقه دارند- موسیقی اجتماعی است، که موسیقی برای تفریح است. و در تمامی مراسم، هر جایی که تصور آن را بکنید استفاده می شود.

س: چرا تصمیم گرفتید که به آمریکا بیایید و چگونه به زنده نگه داشتن موسیقی Ga کمک کرده اید؟
یعقوب عدی: هیچ حمایتی از موسیقی سنتی در غنا انجام نمی شد.

امینه عدی: اگر شما در غنا به فعالیت در زمینه موسیقی معاصر مشغول باشید، ممکن است بتوانید از طریق این کار زندگی خود را بگذرانید. اما اگر به موسیقی سنتی در غنا مشغول باشید، خیلی ساده هیچ حمایتی از شما صورت نمی گیرد. و هیچ راهی [برای هنرمندان موسیقی سنتی در غنا] برای گذران زندگی وجود ندارد. در دهه ۱۹۶۰ [برای کمک به زنده نگاه داشتن موسیقی Ga]، یعقوب روشی از پنج تکنیک اولیه نواختن طبل ایجاد کرد که پنج تن بسیار متمایز و سپس انواع چندگانه آنها را تولید می کند. او برای اولین بار در دهه ۱۹۷۰ در پاسیفیک نورت وست این کار را اجرا کرد، و سپس با رفتن و تدریس در کالج های سراسر آمریکا آن را گسترش داد.

س: اودادا در چه مکان هایی تور برگزار کرده و به نظر شما این گروه چه تاثیری بر نگهداری از موسیقی Ga داشته است؟

امینه عدی: ما عمدتاً در آمریکا بوده ایم، و تور کوتاه مدتی هم در کانادا داشتیم. در پورتو ریکو نیز بوده ایم. توری هم در ژاپن برگزار کردیم. و در مورد تاثیر: اولین مورد این است که، فکر می کنم، ما فرهنگ غنا را به مردم آمریکا معرفی کردیم. مردم پیش از این که ما اودادا را آغاز کنیم چیزی در مورد اعضای Ga نمی دانستند. ما فعالیت خود را در سال ۱۹۸۲ آغاز کردیم، تا آن جایی که می دانیم ما تنها گروه اجرایی تمام آفریقایی بودیم که در آمریکا سکونت داشت.

یعقوب عدی: زمانی [تعدادی از] غنایی ها در آمریکا از فرهنگ خود شرمسار بودند. اما [اودادا] این [برداشت های نادرست را] تغییر داده است.

عقوب عدی نوازنده طبل
شناخته شده از گروه قومی Ga در غنا است که گروه اجرای موسیقی غنایی را با نام اودادا در سال ۱۹۸۲ پایه گذاری کرد. او که به همراه همسر خود، امینه عدی، مدیر و تهیه کننده اودادا در آمریکا زندگی می کند، به تدریس نواختن طبل در کالج اسکیموردر ساراتوگای نیویورک مشغول است. یعقوب عدی دریافت کننده بورسیه میراث ملی هدیه



یعقوب آدی

ملی آمریکا برای هنر در سال ۲۰۱۰ است.

سوال: موسیقی Ga را توصیف کنید- چه سازهایی معمولاً نواخته می شوند و برخی از تم های متداول کدام ها هستند؟

یعقوب عدی: در موسیقی اجتماعی زنگی وجود دارد، یک وقت ننگه دار، که پیش از این که چیزی آغاز شود شروع می کند. سپس طبل مکمل شروع به نواختن می کند و در انتها طبل اصلی، که طبل اصلی وظیفه کنترل [موسیقی] را بر عهده دارد.

امینه عدی: طبل اصلی بخشی را که قرار است بنوازد انجام می دهد، و پس از آن می تواند بداهه نوازی کند، به خصوص در موسیقی اجتماعی، شما می توانید هر کاری که خواستید انجام دهید. و بعد نوبت خوانندگان اصلی است، زیرا خواننده اصلی است که آهنگ را می خواند و دیگران که پس از او جواب می دهند. و این خواننده اصلی برای انجام بداهه نوازی بسیار آزاد است.

[موسیقی برای مرد ساحر وجود دارد] که در آن طبل روح ساحر را احضار می کند. فرهنگ Ga توسط ترکیبی از رهبران مذهبی و سکولار کنترل می شود. و سپس پایین تر از این رهبران مذهبی، با نام ولومو، ساحران قرار دارند. نوعی موسیقی وجود دارد که در دادگاه سلطنتی Ga از آن استفاده می شود. موسیقی که زمان راه رفتن شاه نواخته می شود. شعر طبل نیز است، که در واقع زبان طبل است، و این قطعه از بر خوانده می شود- در مورد تاریخچه پادشاه و چیزهایی نظیر آن. و سپس نوع سوم- و نوعی که شاید اکثر

حفظ میراث فرهنگی جهان

صندوق سفرا برای حفظ میراث فرهنگی

صندوق سفرا ایالات متحده برای حفظ میراث فرهنگی با اعطای کمک های رایگان به طرح های مربوط به حفظ میراث فرهنگی محلی به پاسداری از فرهنگ ها در سرتاسر جهان یاری می دهد.



حفظ امور فرهنگی در قاره آمریکا

<http://www.america.gov/esp/patrimonio.html>



حفظ امور فرهنگی در آسیای جنوبی و مرکزی

http://www.america.gov/preserving_culture-sca.html



حفظ امور فرهنگی در اروپا

http://www.america.gov/preserving_world_cultures.html



حفظ امور فرهنگی در دنیای عرب

http://www.america.gov/ar/preserving_culture.html

در باره این طرح های متنوع آگاهی بیشتری به دست آورید:

<http://go.usa.gov/Ca7>
<http://go.usa.gov/Cao>
<http://go.usa.gov/CaH>



Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna

اجرای از جشنواره رقص محلی سان فرانسیسکو برای جشن گرفتن دویستمین سالگرد تأسیس مکزیک.

تداوم رقص های سنتی جهان در جشنواره محلی

مایکل گالانت



Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna

اعضای گروه رقص موسیقی رویاهای ایمانی اجزای رقص هیپ هاپ- آفریقایی، مدرن و جاز را با هم می آمیزد.

شده، برنامه اجرا می کنند. در این جشنواره نه تنها سبک های منحصر به فرد رقص به نمایش گذاشته می شود، بلکه به حفظ سنت و زنده ماندن این رقص ها در ایالات متحده و سراسر جهان هم کمک می شود.

برپایی جشنواره

جولی موشت، مدیر اجرایی هنرهای جهانی غرب اظهار داشت، من فکر می کنم که ما دارای استثنایی ترین جامعه رقصندگان جهان هستیم. ما با ۴۰۰ گروه رقص در منطقه خلیج سانفرانسیسکو همکاری داریم، که شامل حدود ۲۰,۰۰۰ رقصنده است که معرف بیش از ۱۰۰ سنت رقص جهان هستند.

دستچین کردن شرکت کنندگان در این جشنواره از میان گروه های متفاوتی، کار چندان آسانی نیست. تهیه کنندگان

مایکل گالانت مؤسس و مدیر اجرایی گالانت میوزیک (-gal) است. او قبلاً ساکن سانفرانسیسکو بوده و اکنون در شهر نیویورک زندگی می کند.

شهر سانفرانسیسکو واقع در کالیفرنیا با تپه های کوتاه و بلند خود، پل معروف گلدن گیت، مناظر تماشایی ساحل دریا، و تاریخ غنی فرهنگی، شهری پرجاذبه برای میلیون ها گردشگر است که سالانه به این شهر سفر می کنند. اما این شهر به دلیل دیگری هم به سرعت شناخته می شود: جشنواره رقص های محلی سانفرانسیسکو.

سانفرانسیسکو مرکز رقص های گوناگون است. بعضی از شناخته شده ترین گروه های رقص محلی، در ماه ژوئن و به عنوان بخشی از جشنواره رقص های محلی سانفرانسیسکو که توسط سازمان غیرانتفاعی هنرهای جهانی غرب ایجاد

مردم برای دیدن رقص فلامنکو ببایند و بعد عاشق سبک های دیگر رقص هم بشوند که در غیر این صورت امکان دیدن آنها نبود.

رقص های محلی فراتر از سانفرانسیسکو

در حالی که این جشنواره بیشتر به گروه های رقص سنتی در محل توجه دارد، اما تأثیر آن هزاران مایل دورتر هم احساس می شود، مخصوصاً از زمانی که هنرهای جهانی غرب از شرکت هنرمندان مهمان از دیگر مناطق جهان هم

جشنواره، از طریق فرایند دشوار گزینشی، جلساتی برای اجرای رقص می گذارند که باید در کارولینای شمالی برگزار شود و شامل اجرای زنده رقص و ارائه مقالاتی درباره منشأ فرهنگی آن است. هنر متقاضیان توسط هیئت کارشناسی مورد بررسی قرار می گیرد و طبق ضوابطی، از حضور روی صحنه تا تناسب رقص با منشأ فرهنگی آن، مورد قضاوت قرار می گیرد. گاهی رقابت ها سخت و بی امان است؛ برای جشنواره سال ۲۰۱۰، پس از برگزاری ۱۳۷ جلسه اجرا، و از میان ۲۵۰۰ رقصنده، تنها ۶۰۰ رقصنده در

Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna



گروه رقص افوتائی رقص معنوی سنتی هائیتی را اجرا می کند، "سیمبی دلو" (خدای آب)



Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna

رقصی که در اینجا به نمایش گذاشته شده از منطقه سیچوان چین با مردم کیانگ سرچشمه می گیرد. در این عکس، یکی از اعضای گروه رقص چینی های یان جاکسون در حال رقص است.

۳۷ اجرا انتخاب شدند.

برنامه سال ۲۰۱۰

شامل فرهنگ های سراسر جهان بود. در یک شب اجرا،

رقص هایی از هند، هائیتی، پرو، تاهیتی، اندونزی، اسپانیا، و ژاپن به نمایش درآمد. چند سال قبل، گروه موسیقی جگواگ از بالی در یکی از نمایش ها حضور داشتند که به اجرای موسیقی با ساز ماریمبا پرداختند؛ این ماریمبا از بامبوهای عظیم ساخته شده بود و نوازندگان برای به صدا درآوردن ساز، باید از آن بالا رفته و روی آن قرار می گرفتند.

موشت گفت برجسته کردن چندین سبک مختلف رقص در یک اجرا را خیلی دوست دارد. او اضافه کرد، ممکن است

Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna



اجزای رقص به طبل زدن تلیکو ژاپنی ملحق شده، و در اینجا توسط یکی از اعضا گروه چون دایکو اجرا می شود.

حمایت به عمل آورده است. به گفته موشت، رئیس یکی از قبایل مسلمان فیلیپین تا قبل از شرکت در این جشنواره، هرگز پایش را از محل زادگاهش در جزیره پالاوان، بیرون نگذاشته بود. سال ها قبل، دو تن از رقصندگان از سانفرانسیسکو به پالاوان رفته

بودند و در آن جا سبک این رقص محلی را تمرین کرده و آموخته بودند. آن ها این رقص را به گروه رقصی در سانفرانسیسکو آموزش دادند و رئیس قبیله را به عنوان هنرمند مهمان به جشنواره دعوت کردند. گروه رقص، این برنامه را طی سه نمایش که بلیط های آن تماماً به فروش رفته بود، در مقابل ۳۰۰۰ تن تماشاگر به نمایش گذاشت.

هم آواز بخواند. به قدری وا همه داشت که نزدیک بود اصالت سبک رقص را فراموش کند. اما او به عنوان فردی کامبوجی-آمریکایی احساس می کرد که این گام بعدی در ارائه هنرش است.

تماشاگران از این تغییر بزرگ در سبک هنری اطلاع چندانی نداشتند، اما برای مردمی که به آن فرهنگ تعلق داشتند، تحول عظیمی بود. کارش بسیار زیبا بود و با استقبال خوبی هم روبرو شد. به عقیده موش، معنای رقص محلی از هنر نو سبک یا سنتی فراتر می رود. او گفت، رقص در تجربه انسان، نقش

رئیس قبیله، از کل این برنامه فیلم ویدئویی تهیه کرد تا آن را برای اعضای قبیله اش به نمایش بگذارد. تنها شناختی که کودکان آن جامعه از زندگی در آمریکا داشتند، از طریق دیدن فیلم های متوسط آمریکایی بود- و این موضوع داشت برای رهبران قبیله مسئله ساز می شد. نشان دادن ویدئوی جشنواره رقص، موجب شد این بچه ها دید دیگری نسبت به آمریکا پیدا کنند و مشاهده کردند که استقبال از فرهنگشان، فراتر از مرزهای فیلیپین هم گسترده شده است. این موضوع تغییر



Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna

تارا کاترین پاندا یک رقص زیبای و یوقورا را اجرا می کند در حالیکه آبوس کوسیموف دوایرا، دایره زنگی می نوازد.



Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna

یک رقص مردمی ترکی اجرا شده توسط گروه رقص پرسیدیو.



Courtesy of World Arts West, photo by RJ Muna

در این عکس، رقصی که توسط گروه "بولیوی قلب آمریکا" اجرا می شود، از فرهنگ های آیمارا و کیچوا که به بومی های اند بولیوی تعلق دارد، ریشه می گیرد.

اصلی را دارد. جالب است که در نقاشی هایی که در غارها پیدا شده و به ۳۰,۰۰۰ سال قبل بازمی گردد، تصاویری که هزاران سال تکرار شده است، همان تصاویر رقص و شکار است.

رقص معنی اصلی جامعه انسان ها و برخورداری از حیات غنی است. سبک هایی که در این جشنواره به نمایش درمی آید، مبین چهارچوب فرهنگی گردهمایی انسان ها برای جشن گرفتن، عزاداری، و ارتباط معنوی است. این اشکال و سبک های رقص، بستر بسیاری موضوع ها و وسیله ای برای انتقال آن است.

هنر و فرهنگی که در بطن رقص ها وجود دارد، رویدادهایی مانند جشنواره رقص های محلی سانفرانسیسکو را هر چه مهم تر و ضروری تر جلوه می دهد. این جشنواره ها نشان می دهند که سنت رقص چیزی است که می توان آن را خارج و دورتر از سرزمین منشأ آن هم دید و دریافت؛ از این طریق با طیف وسیعی از فرهنگ ها و انواع بیان های فرهنگی آشنا می شویم و آن را تحسین می کنیم.

بزرگی به وجود آورد و به رییس قبیله در حفظ فرهنگ محلی کمک کرد.

هرچند این جشنواره برای پرورش و حفظ سبک های سنتی رقص برپا می شود، اما سبک های نوآورانه هم به آن راه یافته و روی صحنه می رود. موش می گوید، رقصندگانی هستند که سبک خود را به کلی تغییر داده اند که شاید بحث انگیز باشد، اما بعد از سال ها استادی در زمینه کاری خود، برای ایجاد چنین تغییراتی از اعتبار کافی برخوردارند.

نمونه ای از این دست، چاریا برت است، عضو سابق هیئت علمی دانشگاه سلطنتی کامبوج در پنوم پن که در سال ۱۹۹۳ به آمریکا مهاجرت کرد. به گفته موش، سه سال پیش پشت صحنه ایستاده و عصبی بود؛ منتظر بود که وارد شود. تا جایی که او می دانست، بعد از ۲۵۰۰ سال این اولین بار بود که رقصنده کامبوجی قرار بود در آن واحد هم برقصد و

شکوفایی رقص کلاسیک کامبوج در کالیفرنیا

جشنواره جهانی رقص های محلی در سانفرانسیسکو در سال ۲۰۰۷ اجرا می کرد، لباس سنتی کامبوج را پوشیده بود و در برابر گروه زنده نوازندگان که هم سازهای زهی غربی و هم سازهای سنتی کامبوج را می نواختند، می رقصید.

کوشش های برت در جهت نمایش، حفظ و شکوفایی رقص کامبوجی برای حصول موفقیت و شناخته شدن آن در آمریکا ادامه دارد. او بیش از یک دهه اجرا کننده دائمی در جشنواره رقص محلی سانفرانسیسکو بوده است و جایزه ایزادورا دانکن را برای دستاورد چشمگیر در اجرای تگ نفره به دست آورده است و جوایز بیشماری را از سازمان هایی همچون اتحادیه هنرهای سنتی کالیفرنیا و بنیاد آثار خلاقانه دریافت کرده است. در سال ۲۰۰۶،

روزنامه روزشمار سانفرانسیسکو برت را به عنوان "اجرا کننده عالی رقص کلاسیک کامبوجی" ستود.

رقص کلاسیک دقیق، زیبا و باشکوه کامبوجی که برت آن را اجرا می کند و آموزش می دهد، حامل ویژگی های تاریخی عمیق و مهمی است. این رقص با پیشینه ای بیش از هزار سال، و به عنوان پلی ارتباطی با جهان معنویات شکل گرفت و اغلب در آیین های سلطنتی اجرا می شد. آموزش و تعلیم رقص کلاسیک کامبوج در طی سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ که پل پات کنترل کامبوج را به دست گرفت ممنوع بود. در نسل کنونی متعاقب خمرهای سرخ،

بسیاری از هنرمندان- نوازندگان، نویسندگان و رقصندگان- کشته شدند. در طی این دوره رقص کلاسیک کامبوجی تقریباً ناپدید شد.

برت همچنان خود را وقف می کند تا اطمینان یابد سنتی که در آن تعلیم یافته است، رشد و بالندگی خود را ادامه می دهد. کوشش های او از خانه شخصی اش در کالیفرنیا در روند رشد و شکوفایی؛ در چشم اندازی جهانی تأثیر دارد. او در جایی نوشته است "من در طی تلاش های خلاقانه، رقص های کلاسیک و محلی را شکوفا کرده ام و همچنین آثار خلاقانه ای را ابداع کرده ام که مرزهای شکل سنتی را هم به لحاظ موسیقایی و هم به لحاظ مضمون در می نوردند. این رقص ها دغدغه ها و علائق مرا باز می تابانند و امیدوارم برای مردم دیگر جاها دیگر نیز این چنین باشد".

- نوشته میشل گالانت

میشل گالانت موسس و اداره کننده اصلی شرکت موسیقی گالانت است. (gallantmusic.com) او پیش از این در سانفرانسیسکو زندگی می کرد و اکنون ساکن نیویورک است.

هنگامی که مخاطبان آمریکایی برای دیدن رقص چاریا برت در جشنواره رقص های محلی در سانفرانسیسکو (کالیفرنیا) ازدحام می کنند، چیزی بیش از ترکیب لذت بخش حرکات زیبا، دقت تکنیکی ظریف و لباس های پر زرق و برق بر روی صحنه می بینند- آنان به جهان مستحکم و استوار رقص کامبوجی و فرهنگی غنی که سنت از آن سرچشمه می گیرد، نگاه می کنند.

برت از کامبوج به ایالات متحده مهاجرت کرد و در سال ۱۹۹۳ سازمان رقص کامبوجی

چاریا برت را تاسیس کرد. او

در مقام کارگردان هنری کمپانی کالیفرنیا شمالی، رقص کامبوجی را به نمایش می گذارد و با آموزش، اجرای عمومی و برگزاری کارگاه های عمومی و برگزاری کارگاه های آموزشی از این رقص حمایت می کند.

برت به عنوان عضو پیشین دانشکده رقص در دانشگاه سلطنتی هنرهای زیبا در پنوم پن، کامبوج، سطح بالایی از مهارت و دانش رقص سنتی کامبوجی را در آموزش و اجراهای خود به همراه می آورد. برت در بیانیه ای هنری می نویسد "

ضرورت بسیاری در حفظ رقص کامبوجی وجود دارد و من رقص ها را از مجموعه ذخایر کلاسیک به روی صحنه می آورم، رقص های قدیمی را ثبت می کنم و این سنت را به نسل بعدی منتقل می کنم".

اگر چه کار برت بر اساس سرچشمه های کامبوجی خود اصیل و سالم باقی مانده است، اما او بر نوآوری خلاقانه و ادغام دیگر عوامل موثر بر کار اصیل و همیشه در تکامل نیز تأکید دارد. قطعه ای با عنوان "فصل مشترک در طی زمان" الهاماتی از زندگی خود برت را به عنوان هنرمندی که در جایی دیگر بزرگ شده است ولی اکنون در آمریکا زندگی می کند و به آفرینش هنر مشغول است، در بر دارد. قطعه ای دیگر با عنوان "رزهای آبی"، شخصیت تنها و دوست داشتنی لورا از اثر سترگ تنسی ویلیامز نمایشنامه نویس آمریکایی بنام باغ وحش شیشه ای را مورد بررسی قرار می دهد. برت هنگامی که مراسم افتتاحیه "رزهای آبی" را در



چاریا بورت

© Bonnie Kamin Morrissey

آمریکایی ها میراث فرهنگی خود را حفظ می کنند

آمریکایی ها با اجرا و بزرگداشت فعالیت های فرهنگی از جمله موسیقی و رقص در جوامع بزرگ و کوچک فرهنگ خود را حفظ می کنند.



© Getty Images/Alex Wong

گروه عمانی رقص و موسیقی هم نوازان المجد در جشنواره فولک لایف اسمیتسونیان در شهر واشنگتن موسیقی سنتی کشور عمان را اجرا می کنند.



© AP Images/Lynn Hermosa

اجرای رقص مکزیکی در مراسم سالیانه چارو دیز در شهر برونزویل، ایالت تگزاس. شهر برونزویل با مشارکت شهر ماتاموروس، که در آن سوی مرز مکزیک واقع است، این جشنواره دو ملیتی را برگزار می کند.



© AP Images/Houston Chronicle, Johnny Hanson

نوجوانی در شهر پیتسبورگ، ایالت پنسیلوانیا، در جشنواره میراث اسکاتلند و گردهمایی سلنیک در شهر وست ویرجینیا نی انبان می نوازند.



© AP Images/The Exponent Telegram, Paul Stephen

نوجوانی در شهر پیتسبورگ، ایالت پنسیلوانیا، در جشنواره میراث اسکاتلند و گردهمایی سلنیک در شهر وست ویرجینیا نی انبان می نوازند.



© AP Images/Bebeto Matthews



Courtesy of Katherine Fogden, NIMAI, Smithsonian Institution

بیل میلر، موزیسین سرخپوست از قبیله موهیگان، به خاطر مهارتش در نواختن فلوت سرخپوستی شناخته شده است. او آلبوم های بسیاری از موسیقی سرخپوستی انتشار داده است.

بیل میلر، موزیسین سرخپوست از قبیله موهیگان، به خاطر مهارتش در نواختن فلوت سرخپوستی شناخته شده است. او آلبوم های بسیاری از موسیقی سرخپوستی انتشار داده است.



© AP Images/Robert Miceca

دو بازیگر در مرکز هنرهای نمایشی لینکلن در شهر نیویورک به سبک ایرانی تعزیه می خوانند.



© AP Images/Chitose Suzuki

رقصندگان جوان شهر بوستون، از مرکز آموزش رقص ایرلندی وودز ایالت ماساچوست روز سنت پاتریک را جشن می گیرند. یک چهارم جمعیت ماساچوست از تبار ایرلندی هستند.



© AP Images/The South Bend Tribune, Santiago Flores

روا، گروه فرهنگی رواندایی، در حال اجرای رقص در دانشگاه نوتردام در ایالت ایندیانا.



گروه هالانو هو او ما ایکا وایی اولا او هاوایی در موزه ملی سرخپوست آمریکایی واقع در واشنگتن در حال اجرای نوعی رقص هولای. این گروه که در شهر الکساندریا، ایالت ویرجینیا مستقر است، کلاس های رقص هاواییایی برگزار می کند.



© AP Images/Reed Saxon



© AP Images/Michael Dwyer

در جشنواره ای که در مرکز فرهنگی ویتنامی در شهر بوستون، ایالت ماساچوست، برگزار شد، بازدیدکنندگان به چشیدن غذاهای متنوع ویتنامی دعوت شدند.

دو تن از اعضای تئاتر رقص کلارا رقصی از شهر کلارا، در کشور هندوستان، را در جشنواره لوتوس در لس آنجلس اجرا می کنند. این جشنواره گوشه هایی از فرهنگ جزایر آسیا و پاسیفیک را به نمایش می گذارد.



© AP Images/Beth Schlanke

زن همونگی، پج انتاب تیب نینگ یا "پارچه پرده خوانی" کار دست خود را نشان می دهد. او که ساکن یکی از اردوگاه های آوارگان در تایلند بوده بافت این پارچه ها را به عنوان راهی برای یادآوری داستان های سنتی و اصیل آغاز کرده است.



© AP Images/Daily Sun, B.J. Fictum

دو تن از اعضای گروه رقصندگان چک ویلبر جونیر در حال اجرا در جشنواره سالانه ویلبر چک در شهر نبراسکا. این شهر کوچک به عنوان شهرک چک تبار ها در سال 1865 تشکیل شد.

بازگرداندن مالکیت فرهنگی

بحث دو کارشناس درباره این که آیا آثار و مصنوعات هنری باید بازگردانده شوند

نوشته جیمز کونو

نوشته مالکولم بلف سوم

جیمز کونو عهده دار

ریاست مؤسسه هنر شیکاگو و رییس الوییز دلیو مارتین این مؤسسه، و مؤلف کتاب "آثار باستانی به چه کسی تعلق دارند؟ موزه ها و کشمش بر سر میراث باستانی" (پرینستون ۲۰۰۹) است. بحث کونو این است که قرار دادن طیفی از اشکال هنری متعلق به سراسر جهان در اختیار دیدار کنندگان از موزه ها موجب ارتقای تحقیق، مدارا و دانش گسترده است. ارزش آثاری که در هنر خلق می شود، مانند فرهنگ و مردمی که آن را پدید آورده اند، از مرز میان کشورها فراتر می رود.



جیمز کونو

©AP Images / M. Spencer Green

مالکم بیل III استاد

بازنشسته ممتاز گروه آموزشی هنر مک اینتایر دانشگاه ویرجینیا است. تخصص او در باستان شناسی و هنر یونان، و مدیر مشترک حفاری های مورگانینا در سیسیل است. دولت ها معمولاً از بازگرداندن آثار و مصنوعات هنری جهت حفظ فرهنگ و جلوگیری از سوءاستفاده از آن از



مالکولم بلف سوم

Courtesy of Malcolm Bell, III, photo by Leslie Rahuba

سوی موزه ها و مجموعه داران خارجی دفاع می کنند. مالکم بیل در مورد دلایل موجه اخلاقی و حقوقی این قبیل ادعاها توضیح می دهد.

در فرهنگ زبان انگلیسی آکسفورد، برای توضیح کلمه repatriate آمده، "بازگرداندن (مصنوعات و اشیاء دیگر) به وطن خود"، و بازگرداندن به وطن خود را استرداد، و تمامیت مجدد می داند. بسیاری از مصنوعات و آثار هنری دارای ارزش فرهنگی خاصی برای جوامع و کشورهای معین هستند. هنگامی که این آثار از زمینه اصلی خود دور می شوند، از چهارچوب ویژه خود خارج شده، و فرهنگ مذکور بخشی از تاریخ خود را از دست می دهد.

مصنوعات فرهنگی غالباً مورد ادعای استرداد قرار می گیرند. دلیل مستقیم آن، معمولاً مطالبه حق حقوقی و اخلاقی از سوی کشوری است که به آن تعلق دارند. هر چند مخالفان استرداد این اشیاء، مطالبه آن را از روی ملی گرایی قلمداد می کنند، اما حامیان این اقدام دلایل موجهی ارائه می دهند که جنبه سیاسی ندارد. بسیاری از کشورها، که ایالات متحده در زمره آن ها نیست، اعلام کرده اند آثار باستانی زیر خاکی، مصنوعات، مقبره ها و بناهایی که در محدوده مرزهای ملی آن ها قرار داشته و به طور اتفاقی یا در پی حفاری های

موزه های هنری ایالات متحده متعهد به نگهداری

کارشناسانه از آثار هنری هستند که در اختیارشان قرار دارد. رؤسا و مدیران موزه هایی که هنر فرهنگ های مختلف را به نمایش می گذارند، معتقدند که عرضه طیف گوناگونی از انواع هنر به افراد بازدیدکننده، نه تنها جهل و بی اطلاعی را از بین می برد، بلکه مشوق روحیه جستجو گرانه، و مدارا با تفاوت های فرهنگی است.

این موضوع در دنیای شهری و جهانی شده امروز اهمیت ویژه ای دارد. برای مثال، شیکاگو را در نظر بگیرید، شهری که من در آن زندگی و کار می کنم. طبق آمار سال ۲۰۰۰، ۴۲ درصد از ساکنان شیکاگو دارای تبار اروپایی هستند، و ۳۷ درصد از آن ها تبار آفریقایی دارند. هیسپانیک ها شامل بیشترین تعداد افراد متولد خارج و زودرشدترین اقلیت در جمعیت شیکاگو هستند. این شهر به لحاظ تعداد ساکنان متولد در خارج ایالات متحده، پنجمین مقام را در کشور دارد و به لحاظ تعداد جمعیت آسیایی جنوبی، دارای مقام سوم در کشور است. به علاوه، شیکاگو به لحاظ تعداد جمعیت یونانی تبار، در جهان در

ادامه کونو

مقام سوم قرار دارد. حدود ۲۲ درصد از جمعیت شیکاگو متولد خارج هستند، از جمله ۲۶ گروه قومی که به ۴۰ زبان مختلف تکلم می کنند. مؤسسه هنر شیکاگو با عرضه آثار هنری متعلق به همه نقاط جهان، نه تنها بازدید کنندگان را با فرهنگ هایی که در بُعد زمانی و مکانی از آن ها و هستند، آشنا می کند، بلکه آن ها با فرهنگ همسایگان خود هم هر چه بیشتر آشنا می شوند.

موزه ها باید نقش دانشنامه را داشته باشند؛ آن ها باید تلاش کنند آثار هنری متعلق به فرهنگ های مختلف را به نمایش در آورند. پل ریکور، فیلسوف معروف، می گفت "وقتی درمی یابیم که بیش از یک فرهنگ وجود دارد و نتیجتاً ... پایان انحصار فرهنگی را می پذیریم ... ناگهان می بینیم، دیگرانی هم هستند، و ما خودمان هم در میان دیگران، نقش "دیگران" را داریم. او نقش دانشنامه داشتن موزه ها را به این شکل تعریف می کرد. هدف مهم موزه هایی که نقش دانشنامه دارند، تاباندن نور تازه ای بر سایر فرهنگ ها است. دولت ها دارایی فرهنگی خود را نوعی دارایی ملی تلقی می کنند. گفته شده، آثاری که در کشور معینی یافت شوند به دلیل وجود ریشه های مشترک تاریخی و قومی، به آن ملت پیوند دارند، و غالباً به عنوان وجه تمایز آن کشور با کشورهای دیگر تلقی می گردند. موزه های دانشنامه ای، با تنوع آثار خود، مدعی خلاف این تعریف محدود از فرهنگ هستند. آن ها در عوض، از بازدید کنندگان می خواهند که با هنر، فراتر از مرزهای سیاسی برخورد کنند. آثار هنری- نقاشی ها، مصنوعات دست ساز، موسیقی یا رقص- از فرهنگ مردمی که آن ها پدید آورده اند، فراتر می روند؛ آن ها تاریخ مردمان مختلف را به هم می آمیزند؛ مثلاً تأثیر هنر یونان بر فرهنگ روم، گنداره، و اروپای نئوکلاسیک، یا تأثیر نقاشی و شعر و موسیقی هندو، بودیست، و ایرانی اسلامی بر فرهنگ هند. روکسان یوبن، کارشناس علوم سیاسی، ما را به حق در برابر "طبقه بندی جهان در غالب نهادهای یکدست و شناخته شده با



بعضی از مجسمه های مرمری پارتئون در موزه بریتانیا هم چنین به عنوان سنگ مرمرهای الجین شناخته می شوند.

ادامه بل



منظره ای از پارتئون (راست) در آکروپولیس آتن، یونان. بسیاری از مجسمه های مرمری پارتئون در موزه بریتانیا لندن نگهداری می شوند. این که آیا باید به یونان بازگردانده شوند، جای بحث زیادی دارد.

باستان شناختی کشف می شوند، به دولت کشور مذکور تعلق دارند. غالب کشورهایایی که حق مالکیت خود را عنوان می کنند، کشور هایی هستند که در گذشته و در این زمینه، مورد سوء استفاده موزه ها و مجموعه دارای خارجی قرار گرفته اند.

ادعای مالکیت کشور مبدأ دارای دو امتیاز است:

- (۱) از حفاری های غیرقانونی که موجب ویران شدن سایت های باستان شناسی می شود و مصنوعات باستانی را از چهار چوب تاریخی خود جدا می کند، جلوگیری به عمل می آید.
- (۲) از صادرات غیرقانونی مصنوعات و آثار هنری یافته شده در حفاری ها ممانعت می شود.

ادعای مالکیت این مصنوعات و آثار هنری موجب حفظ و نگهداری آن بعد از اکتشاف و ممانعت از ناپدید شدنش در بازارهای بین المللی و میان مجموعه داران می گردد. این ادعای قانونی، مبنای استرداد غالب آثار هنری است.

استرداد این اشیاء از سوی قوانین و مقررات بین المللی به رسمیت شناخته شده است. سازمان یونسکو در پیمانی که نام دست و پاگیری دارد اما وجودش حیاتی است- یعنی "پیمان شیوه ممنوعیت و جلوگیری از واردات و صادرات و انتقال غیرقانونی دارایی های فرهنگی" که در سال ۱۹۷۰ به تصویب رسید، از تجارت غیرقانونی آثار باستانی به سرقت رفته جلوگیری کرد. نتیجتاً، خریداران آثار عتیقه ثبت نشده و بدون سند، وضعیت قانونی غیر مشخص اشیا را که بعد از سال ۱۹۷۰ مورد معامله قرار می گرفت، پذیرفتند. در ده ساله گذشته، کشورهای منشأ، با تحت فشار قرار دادن موزه ها و مجموعه داران موفق شدند بخش قابل توجهی از این آثار

ادامه کونو

حد و مرز کاملاً مشخص، به طوری که روزنه ای هم برای بده بستان های متقابل تاریخی باقی نگذارد، هشدار می دهد. زمانی که هنرو فرهنگ منحصرأ به ملت خاصی محدود شود، پیوندهای میان- فرهنگی که می تواند مردمان مختلف را به هم در آمیزد، از بین می روند.

موزه های آمریکا مجموعه های هنری جامعی را در انطباق با قوانین و پیمان های مربوطه ملی و بین المللی در خود جا داده اند. ما در مورد وضعیت قانونی هر یک از اجناسی که خریداری می شود، تحقیق می کنیم. منشأ آن کجاست؟ چنانچه متعلق

به خارج باشد، در چه زمانی صادر شده است؟ سوابق مالکیت اخیر آن چگونه بوده؟ ما باید از مالکیت کامل اثر هنری اطمینان حاصل کنیم. در صورتی که بعداً متوجه بشویم یک اثر هنری به طور غیر قانونی از

"هنگامی که هنر و فرهنگ به شدت به یک ملت خاص ربط داشته باشند، روابط بین فرهنگی را که مردمان بسیار گوناگون را به هم متصل می کند را از دست خواهیم داد."
- جیمز کونو

کشور منشأ خود خارج شده، طبق تعهد اخلاقی و حقوقی خود، آن را باز می گردانیم.

بعضی معتقد هستند که آثار هنری در صورتی که به طور قانونی هم به دست آمده باشند، باید به کشور مبدأ بازگردانده شوند. آن ها می گویند که حق برخورداری از این آثار به کشور دیگری تعلق دارد، زیرا برای هویت و اعتماد به نفس شهروندان اهمیت دارد.

این یعنی تکرار تاریخ. حد و مرز آن کجاست؟ تاریخ، مقوله ای

طولانی و نامنظم است. سرزمینی که امروز به

کشوری تعلق دارد، در گذشته به یک موجودیت سیاسی دیگری تعلق

داشته، سرزمینی با مردمانی متفاوت. مثلاً

جهان گسترده آفریقایی- اور آسیایی را در نظر بگیرید. به مدت ۳۵۰۰ سال، امپراتوری هایی

در آن جا طلوع و غروب کرده اند، آمده و رفته اند؛ از کشور های باستانی آشور، مصر،



این مجسمه مرمری قدیم از فوسینتای پیر که در ایتالیا خلق شده در حال حاضر در موزه جی پال گتی در ویلای گتی در منطقه لس آنجلس به نمایش گذاشته شده است.

©AP Images/J. Paul Getty Trust, Bob Riha, Jr.

ادامه بل



تارنمای America.gov مجموعه بحث های حق با کی است را میزبانی می کند. http://www.america.gov/whosright_culture.html

هنری و باستانی را به کشور خود بازگرداندند. به این ترتیب، مطالبه استرداد مصنوعات باستانی دارای یک مبناى محکم قانونی است. آثاری که به طور غیر قانونی صادر شده اند، احتمالاً به طور غیر قانونی هم کشف شده بوده اند و مهم تر این که این عمل از سوی دادگاه های آمریکا یک سرقت تلقی می شود. باید اشاره کرد که حتا در ایالات

متحده که حقوق مالکیت به شدت رعایت می شود، دولت مدعی مالکیت اشیاء باستانی به دست آمده از زمین های تحت مالکیت فدرال است. و در صورت اقدام خصوصی به حفاری و کشف آن ها، دولت می تواند استرداد آن را

"احیای تمامیت ... دلیل واقعی و زیربنایی بازگشت صنایع دستی است ... در این مفهوم؛ بازگرداندن به میهن بیان عدالت است."

مطالبه کند.

اکنون قوانین طوری تنظیم شده که دلایل موجهی برای استرداد این گونه مصنوعات و آثار وجود دارد. در ایالات متحده، طبق مصوبه استرداد و حفظ قبرهای بومیان آمریکا (NAGPRA) که در سال ۱۹۹۰ به تصویب رسید، موزه های فدرال و مجموعه ها باید حافظ اسکلت های باقی مانده از بومیان قبایل آمریکایی، اشیاء به دست آمده از قبور آن ها و اشیاء مقدس باشند. برخی از این اشیاء در میانه قرن نوزدهم کشف و یا بعد از حفاری به دست آمده است. هر چند که مصوبه NAGPRA دارای ضمانت اجرایی در خود مورد اشیاء و مجموعه هایی که در خارج ایالات متحده نگهداری می شود، نیست اما درس عبرتی برای تمامی مؤسسات خارجی محسوب می شود که از اشیاء مهم فرهنگی قبایل و یا حتا ملت- کشور ها نگهداری می کنند. نمونه ای از این موارد، مجموعه استثنایی اشیاء برونزی بنین است که دولت

ادامه کونو

ایران، یونان، روم، شاهان مغول در هند، تا پرتغال، فرانسه و بریتانیای امروزی. آیا هنر هلنی که در افغانستان یافته شده، که این کشور زمانی سرحد امپراتوری یونان بوده، به یونان تعلق دارد یا به افغانستان؟ آثار شیشه و عاج مصری چه طور؟ که در بگرام پیدا شده و حالا در موزه ملی کابل قرار دارد، آیا به تأثیر اخلاف هندی، ایرانی و یونانی خود خیانت کرده اند؟ این آثار متعلق به کدام کشور مدرن هستند؟ حد و مرز ادعای مالکیت هنر و فرهنگ، چندان مشخص نیست.

دیگرانی نیز برای کامل کردن آثار یا مجموعه هایی از آثار پراکنده، در خواست بازگرداندن آثار هنری و باستانی را مطرح کرده اند. حد و مرز این امر را چگونه باید مشخص کرد؟ و چنانچه کسی هم بخواهد آثار پراکنده را یک جا گردآورد، این کار در کجا باید انجام شود؟ کدامیک از کشورها، شهرها، و موزه هایی که بخشی از یک اثر هنری را در اختیار دارند (مانند قطعه ای از یک محراب، یا برای مثال سازه ای از یک مجموعه مجسمه) باید "منزلگاه" اثر هنری کامل شده شناخته شوند؟

بحث من این است که موزه ها، در هر کجا که هستند، باید در چهار چوب قانون تشویق به کسب آثار هنری معرف فرهنگ های گوناگون شوند. آن ها می توانند برای این کار از طریق خریداری و یا به امانت گرفتن طولانی مدت آثار، و با همکاری موزه ها و سایر کشورهای جهان دست به اقدام بزنند. این مجموعه های گوناگون، مشوق برخورداری از یک بصیرت جهانی، و درک دقیق تاریخی از جریان داشتن فرهنگ است.

همان طور که سانجی سوبرامانیام، مورخ اقتصادی هندی نوشته است، "... وقتی فرهنگ ملی از اعتماد به نفس کافی برای بیان آن برخوردار نباشد مانند سایر فرهنگ ها، محل تلاقی و آمیزه ای از عناصر ناشی از احتمالات و پیامدهای غیرمنتظره است، تنها می تواند مسیر بیگانه ستیزی و شکاکیت فرهنگی را در پیش بگیرد." و در جهان، و مقطع زمانی که ما زندگی می کنیم، موزه های با نقش دانشنامه، در رویارویی با چنین گرایش های خطرناکی مؤثر هستند.

ادامه بل

استعماری بریتانیا در سال ۱۸۹۷ آن را در کشور فعلی نیجریه تصاحب کرد. این آثار مهم هنر آفریقایی که امروز در برجسته ترین موزه ها به نمایش درمی آید، بخش مکمل فرهنگ کشورهای مدرن است، سرزمینی که در آن خلق شده اند و ممکن است روزی به آن جا بازگردانده شوند.

موضوع دیگر در مسئله استرداد، جنبه حقوق اخلاقی آن (در برابر جنبه قانونی) است که اخیراً به این آثار نسبت داده می شود. این حقوق عبارتند از:

- حق ادامه موجودیت- در این جا باید به مجسمه های بزرگ بودا در بامیان، واقع در افغانستان اشاره کرد که در سال ۲۰۰۱ عمداً توسط طالبان نابود شدند.
- حق حفظ و نگهداری مناسب.
- حق نگهداری از اسناد مهم تاریخی و باستان شناختی.
- حق دسترسی عموم به آن.
- حق کامل کردن اثر زمانی که به قطعات مختلف تقسیم شده.

آخرین حق- حق کامل کردن اثر- برای استرداد آن اهمیت دارد؛ باید به یاد داشته باشیم که بازگشت اثر به وطن اصلی خود، به معنای تمامیت یافتن آن است. آثاری که قطعات آن در موزه های مختلف سراسر جهان پراکنده شده باید بررسی گردد و به منزله اجزای یک کل تلقی شوند. یونانیان باستان معتقد بودند که درست کردن مجسمه به معنای زندگی دوباره بخشیدن به موضوع آن است، به همین جهت تکمیل شدن یک اثر هنری یکی از ویژگی های مهم آن است. نمونه های زیادی از این آثار هنری پراکنده وجود دارد که از طریق مبادلات متقابل و هوشمندانه می توانند کامل گردند. در زمره یکی از این آثار برجسته، قطعات پراکنده (در زبان لاتین، *disiecta membra*) بزرگترین اثر باستانی کلاسیک، معبد آتنا در آکروپولیس، واقع در آتن است که در جهان با نام پارتنون شناخته می شود.

بریتانیایی ها در سال ۱۸۰۳ بسیاری از سازه های مرمر پارتنون را جا به جا کردند که امروز در موزه بریتانیا نگهداری می شود. چند تایی هم در دیگر نقاط هستند. در حالی که برای بازگرداندن سازه های پارتنون به یونان توافقات متعدد سیاسی، اقتصادی، و حقوقی صورت گرفته، مهم ترین ادعا، همان کامل شدن این معبد بزرگ است. دلیل موجه تری برای بازگرداندن قطعات این اثر باستانی به وطن خود وجود ندارد. کامل شدن یک اثر، چه متعلق به فرهنگ قبیله ای باشد یا آثار باستانی، واقعی ترین دلیل موجه برای بازگرداندن مصنوعات و آثار هنری به کشور مبدأ است. بازگرداندن آثار هنری، در این معنا، مبین عدالت است.

قوانین حفاظتی ایالات متحده

چهار چوب حقوقی برای حفظ میراث فرهنگی

نوشته پتی گرسطن بلیث



Courtesy of Wikimedia Commons, photo by Massimo Catarinella, 2008

میسا ورده واقع در کلرادو، جایگاه اجدادی مردم پونیلو بود و در حال حاضر یک پارک ملی ایالات متحده است.

• **سیستم خدمات پارک ملی:** این قانون که در سال ۱۹۱۶ پدید آمد، از تنوع گسترده‌ی محل‌های طبیعی و دست‌ساخته‌انسان در سراسر ایالات متحده محافظت به عمل می‌آورد. ایالات متحده با امتنان از کار سرویس خدمات عمومی، دارای تعدادی از پهناورترین و حفاظت‌شده‌ترین پارک‌های ملی است که مکان‌های طبیعی یلواستون در وایومینگ و یوسمیت در کالیفرنیا و مکان‌های دست‌ساخته‌مساوردا در کلرادو از این جمله به شمار می‌روند

• **مصوبه حفاظت تاریخی ملی سال ۱۹۶۶:** این قانون ثبت ملی اماکن تاریخی را پایه‌ریزی کرد و احداث و توسعه‌ی این اماکن را به نحوی که بر بناها، مناطق تاریخی و دیگر محل‌های شاخص تاریخی، معماری، باستان‌شناسی و فرهنگ ایالات متحده اثرگذار باشد، محدود ساخت.

• **مصوبه حفظ ذخایر باستان‌شناسی در سال ۱۹۷۹:** این مصوبه از محل‌های باستانی در سرزمین‌های فدرال به وسیله‌ی اجباری ساختن مجوز برای حفاری و انتقال وسایل دست‌ساخته محافظت می‌کند.

پتی گرسطنبلیث، پروفیسور نامدار، محقق و مدیر کانون هنر، موزه و حقوق میراث فرهنگی در دانشکده حقوق دانشگاه دو پال

ایالات متحده دارای مجموعه قوانین گسترده‌ای است که از حقوق به وجود آوردگان آثار فرهنگی و فکری، و از آثار عینی مانند پیکرتراشی و معماری تا محصولات غیر عینی و تخیلی همچون رقص و موسیقی دفاع می‌کنند. این قوانین همچنین چهارچوبی برای حفظ این آثار به سود نسل‌های آینده فراهم می‌آورند.

محافظت از فرهنگ عینی در ایالات متحده

• **مصوبه ۱۹۰۶ آثار باستانی:** به رئیس‌جمهوری ایالات متحده اختیار داده می‌شود تا "شاهکارهای تاریخی، بناهای تاریخی و ماقبل تاریخی و دیگر اهداف مهم تاریخی یا علمی" را به عنوان یادگارهای حفاظت‌شده اعلام کند.



آواز مردمی آمریکا در بایگانی کتابخانه کنگره ایالات متحده (تحت مرکز زندگی مردمی آمریکا) موسیقی مردمی آمریکا را از سال 1928 تا کنون حفظ کرده است. در این عکس، موسیقیدان های مردمی آمریکا گابریل براون و راشل فرنچ در سال 1935 به تصویر کشیده شده اند.

• مصوبه بازگردانی و حفاظت از آرامگاه بومیان آمریکا

سال ۱۹۹۰: این قانون برای اعاده ی قبایل بومی آمریکا و سازماندهی افراد باقی مانده ی بومی هاوایی و دست ساخته های مرتبط با خاکسپاری که پس از سال ۱۹۹۰ در سرزمین های تحت اختیار یا تملک فدرالی کشف شوند، تصویب گشت. این حکم با محافظت از دست ساخته های مورد استفاده در مراسم مذهبی، به حفظ سنت ها و ارزش های فرهنگی معنوی نیز کمک می کند.

قوانین محافظت ایالات متحده از فرهنگ های جهان

ایالات متحده در کوشش های بین المللی برای صیانت از فرهنگ های جهان مشارکت دارد.

• مصوبه میثاق عملی کردن مالکیت فرهنگی در سال

۱۹۸۳: با تأیید سازمان فرهنگی، علمی و آموزشی ملل متحد (یونسکو) در سال ۱۹۷۰، توافق نامه ی روش های جلوگیری و ممنوعیت ورود، صدور و انتقال غیرقانونی مالکیت امکانات فرهنگی در آمریکا به مرحله ی اجرا در آمد. مصوبه ۱۹۸۳ وارد کردن اموال فرهنگی مسروقه از موزه های خارجی یا از دیگر موسسه های مذهبی یا غیر مذهبی به ایالات متحده را ممنوع ساخته است. این مصوبه همچنین از طریق وزارت کشور ایالات متحده به رئیس جمهوری آمریکا اجازه داده است که بر سر راه ورود اشیای باستانی دارای "ارزش فرهنگی" با قدمت بیش از ۲۵۰ سال و وسایل قوم شناختی نادر یا

برخوردار از اهمیت فرهنگی به ایالات متحده محدودیت ایجاد کند.

• مصوبه ۱۹۶۶ محافظت از آثار تاریخی ملی: بخش هایی

از این مصوبه، میثاق نامه ۱۹۷۲ یونسکو را در مورد میراث جهانی عملی ساخت؛ این کار با مشروط ساختن حمایت دولت آمریکا از بناهای فراسوی دریاها بر اساس ارزشیابی و کاهش پیامدهای ناگوار برای اماکن میراث فرهنگی انجام شده است.

• صندوق سفیرها برای حفاظت فرهنگی: این صندوق با

سرپرستی وزارت کشور ایالات متحده، به سفیران آمریکا اجازه می دهد که به انتخاب طرح های محافظت فرهنگی

برای سرمایه گذاری بپردازند. بیش از ۶۴۰ طرح طی دهه

ی گذشته در ۱۰۰ کشور دنیا آغاز شده است. این صندوق به

مرمت بناهای تاریخی می پردازد؛ کلکسیون های موزه ها را

ارزیابی و نگهداری می کند و فولکور و تکنیک های ماهرانه

ی سنتی، از جمله موسیقی و زبان های بومی را مستند می

سازد.

مراقبت از فرهنگ نهفته (معنوی) در ایالات متحده

دولت فدرال ایالات متحده همچنین ابتکارات مناسبی برای حفاظت از حقوق معنوی فرهنگی آغاز کرده است.

• آرشیو آوازهای عامیانه آمریکایی. با تاسیس کتابخانه کنگره

در سال ۱۹۲۸، این آرشیو به جمع آوری و ضبط موسیقی

آمریکایی از دهه ی ۱۸۹۰ تا دوران جدید پرداخته است. در

سال ۱۹۷۸، آرشیو به بخشی از کانون فرهنگ عامه آمریکایی

تبدیل گشت.

• کانون فرهنگ عامه آمریکایی کتابخانه کنگره ایالات متحده:

این کانون که کنگره ی ایالات متحده در سال ۱۹۷۶ آن را

پدید آورد، از فرهنگ محسوس و نامحسوس از جمله "زبان،

ادبیات، هنر، معماری، موسیقی، نمایش، رقص، نمایشنامه،

آیین، صنایع دستی و نمایش های پر زرق و برق" محافظت

به عمل می آورد. این کانون همچنین به حفظ آواها و موسیقی

گروه های قومی و مناطق مختلف، شامل رقص و آواز بومی

آمریکا، ترانه سرودهای انگلیسی، گزارش های شخصی

بزرگان پیشین و داستان های نقل شده در گویش های گوناگون

آمریکایی می پردازد.

• موقوفه ی ملی برای هنرها: موقوفه ی ملی برای هنرها،

که در سال ۱۹۶۵ به عنوان سازمان فدرالی مستقل تاسیس

گشت، از میان شکل های مختلف بیان فرهنگی، برای تشویق

و حمایت هنرمندان و دیگر پدید آورندگان هنرهای دیداری،

موسیقی، رقص و قصه گویی، کمک هزینه می دهد.

منابع بیشتر

کتابها و مقالات

Robinson, Matt. "Preservation Hall Links Past With the Present," *Travel Weekly* (December 7, 2007)
http://www.travelweekly.com/article3_ektid117098.aspx?terms=*preservation+hall*

Smith, Laurajane and Natsuko Akagawa, eds. *Intangible Heritage*. London; New York: Routledge, 2009.

Sweet, William, ed. *The Dialogue of Cultural Traditions: Global Perspective*. Washington, DC: Council for Research in Values and Philosophy, 2008.

تارنماها

U.S. Government

National Endowment for the Arts
<http://www.nea.gov>

National Park Service
<http://www.nps.gov>

North Dakota Council on the Arts
www.nd.gov/arts

U.S. Department of State
Ambassadors Fund for Cultural Preservation
<http://exchanges.state.gov/heritage/afcp.html>

U.S. Library of Congress
American Folklife Center
<http://www.loc.gov/folklife>

U.S. Library of Congress
National Book Festival
<http://www.loc.gov/bookfest/>
International Organizations

United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO) Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property (1970)

Carlton, Jim. "In Alaska, a Frenchman Fights to Revive the Eyak's Dead Tongue." *Wall Street Journal* (10 August 2010)
<http://online.wsj.com/article/SB10001424052748704499604575407862950503190.htm>

Cuno, James, ed. *Whose Culture? The Promise of Museums and the Debate Over Antiquities*. Princeton, NJ: Princeton University Press, 2009.

Gates, Pamela S. and Dianne L. Hall Mark. *Cultural Journeys: Multicultural Literature for Children and Young Adults*. Lanham, MD: Scarecrow Press, 2006.

Gerstenblith, Patty. *Art, Cultural Heritage, and the Law: Cases and Materials*. 2nd ed. Durham, NC: Carolina Academic Press, 2008.

Hogan, John P., ed. *Cultural Identity, Pluralism, and Globalization*. Washington, DC: Council for Research in Values and Philosophy, 2005.

Hopkins, Kyle. "Extinct Alaska Native Language Interests French Student." *Anchorage Daily News* (29 June 2010)
<http://www.adn.com/2010/06/27/1343777/unlikely-passion-may-save-eyak.html>

McLean, George F. *Persons, Peoples, and Cultures: Living Together in a Global Age*. Washington, DC: Council for Research in Values and Philosophy, 2004.

National Geographic. "Places We Must Save: World Parks at Risk," *National Geographic*, vol. 210, no. 4 (October 2006)
<http://ngm.nationalgeographic.com/ngm/0610/feature2/index.html>

Regier, Willis G., ed. *Masterpieces of American Indian Literature*. Lincoln: University of Nebraska Press, 2005.

Roberts, Sam. "Listening to (and Saving) the World's Languages." *New York Times* (28 April 2010).
<http://www.nytimes.com/2010/04/29/nyregion/29lost.html?pagewanted=al>

Marygrove College
African American Literature and Culture Society
(AALCS)
<http://aalcs.marygrove.edu>

Myaamia Project (Miami Tribe of Oklahoma)
www.myaamiaproject.org/

National Trust for Historic Preservation
www.preservationnation.org

Smithsonian Center for Folklife and Cultural Heritage
<http://www.folklife.si.edu>

Smithsonian Folklife Festival
<http://www.festival.si.edu>

Smithsonian Folkways Recordings
<http://www.folkways.si.edu>

Society for the Study of the Indigenous Languages
of the Americas (SSILA)
www.ssila.org

University of California, Berkeley
Yurok Language Project
<http://www.linguistics.berkeley.edu/~yurok>

University of Hawaii
Language Documentation Training Center (LDTTC)
<http://www.ling.hawaii.edu/~uhdoc/>

World Arts West
San Francisco Ethnic Dance Festival
www.worldartswest.org

http://portal.unesco.org/en/ev.php-URL_ID=13039&URL_DO=DO_TOPIC&URL_SECTION=201.html

UNESCO Intangible Cultural Heritage
<http://www.unesco.org/culture/ich/>

UNESCO Interactive Atlas of the World's Languages
in Danger
<http://www.unesco.org/culture/ich/index.php?pg=00206>

UNESCO World Cultural Heritage
<http://whc.unesco.org>

Research and Advocacy Organizations

Archives of Traditional Music- Indiana University
<http://www.indiana.edu/~libarchm/>

Core of Culture (preserving dance)
<http://www.coreofculture.org/>

Breath of Life Workshop (preserving indigenous
California languages)
<http://linguistics.berkeley.edu/~survey/activities/breath-of-life.php>

Endangered Language Alliance Project
<http://endangeredlanguagealliance.org/main/about>

Endangered Language Fund
<http://www.endangeredlanguagefund.org/about.html>

Linguistic Society of America
Committee on Endangered Languages (CELP)
<http://www.lsadc.org/info/lsa-comm-endanger.cfm>

Living Tongues Institute for Endangered Languages
www.livingtongues.org/

now on facebook



ENGAGING THE WORLD



A MONTHLY JOURNAL
IN MULTIPLE LANGUAGES

<http://america.gov/publications/ejournalusa.html>

U.S. Department of State, Bureau of International Information Programs